

IranArze.ir

@iranarze

@iranarze



تعداد صفحات  
۴۷



آخرین بروزرسانی  
۱۴۰۴ اردیبهشت

## جزوه خلاصه

# راهنمای علوم و فنون ادبی ۲ کد ۱۱۱۳۷۴

ویژه آزمون استخدامی آموزش و پرورش ✓

حیطه تخصصی دبیر ادبیات فارسی ✓

پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان ✓



## لینک های مفید آزمون آموزش و پرورش

|                                                 |                                                                          |
|-------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------|
| خرید سوالات حیطة تخصصی دبیر زبان و ادبیات فارسی | سوالات رایگان آموزش و پرورش با پاسخنامه                                  |
| منابع آزمون دبیر ادبیات فارسی                   | خرید سوالات عمومی آموزش و پرورش                                          |
| خرید سوالات اختصاصی آموزش و پرورش               | خرید سوالات عمومی و اختصاصی آموزش و پرورش                                |
| جزوات خلاصه عمومی و اختصاصی آموزش و پرورش       | خرید سوالات شب آزمون آموزش و پرورش                                       |
| منابع آزمون آموزش و پرورش                       | اخبار آزمون آموزش و پرورش                                                |
| فایل اطلاعات آزمون                              | شبکه های اجتماعی ایران عرضه<br>(فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار) |

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

## ❖ فصل اول: خلاصه راهنمای علوم و فنون ادبی ۲ کد ۱۱۱۳۷۴ تألیف ایران عرضه

مقدمه:

زبان و ادبیات فارسی میراث ارزشمندی از فرهنگ ایران و اسلام است که اندیشه‌ها و باورهای فرهیخته را به تصویر می‌کشد. این میراث فرهنگی از طریق آثار منثور و منظوم، غنای فکری ایرانیان را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزان آموزشی باید فضاهای مناسب ایجاد کنند تا دانش‌آموزان با این میراث آشنا شوند و تجارب ارزشمندی برای زندگی بهتر کسب کنند. زبان و ادبیات فارسی می‌تواند خلاقیت و مهارت‌های زبانی را تقویت کند و با طراحی برنامه‌های درسی مناسب، دانش‌آموزان را برای پاسداری از این میراث و حل مشکلات زندگی تربیت کند.

ضرورت برنامه ریزی و تألیف جدید در دوره دوم متوسطه

در پی تدوین اسناد فرادستی مانند سند تحول و برنامه درسی ملی، بازاندیشی و بازنگری در برنامه‌های آموزشی انجام شد. راهنمای برنامه درسی زبان آموزی دوره ابتدایی که از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۵ اصلاح شده بود، مجدداً با اسناد جدید همسو شد و این همسوسازی از سال ۱۳۸۸ آغاز و در ۱۳۹۰ به پایان رسید. پس از آن، تألیف کتاب‌های فارسی ابتدایی از سر گرفته شد. با تغییر ساختار نظام آموزشی از ۴-۳-۵ به ۳-۳-۶، تغییرات به دوره متوسطه نیز رسید و بازنگری برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در دوره اول متوسطه انجام شد. این بازنگری منجر به بازتألیف کتاب‌های درسی فارسی شد که تا سال ۱۳۹۴ ادامه یافت.

برنامه درسی فارسی در دوره اول متوسطه از اهمیت زیادی برخوردار است و به عنوان پل ارتباطی بین دوره ابتدایی و متوسطه دوم عمل می‌کند. این برنامه، ذهن و زبان دانش‌آموزان را برای یادگیری علوم پویاتر و گویاتر می‌کند و آنها را برای ورود به دوره متوسطه دوم و تعامل با زندگی و محیط اجتماعی آماده می‌سازد.

برنامه‌ریزی برای تغییر در دوره متوسطه دوم از سال ۱۳۹۲ آغاز شد و همزمان با تألیف در دوره اول متوسطه بود. پس از تشکیل کارگروه و تدوین راهنمای برنامه درسی، جلسات متعددی برای سازماندهی محتوایی برگزار شد. از تیرماه ۱۳۹۴، کارگروه‌های انتخاب محتوا شکل گرفتند و درس‌نامه‌ها سامان یافتند.

با تصویب جدول عناوین دروس، کتاب‌های جدید با عناوین علوم و فنون ادبی، فارسی و نگارش از مهر ۱۳۹۵ وارد چرخه آموزشی شد.

دلایل تغییر برنامه

تغییر رویکردهای آموزشی زبان فارسی در ابتدایی و لزوم تداوم آنها در دوره اول و دوم متوسطه در برنامه‌های جدید آموزش زبان فارسی، محتوای دروس و فعالیت‌ها بر اساس همیاری، مشارکت و فعال بودن دانش‌آموزان طراحی شده است. تمرین‌های گروهی مانند "به دوستانت بگو" و "با هم بخوانیم" در کلاس‌ها برگزار می‌شود. انتظار می‌رود این رویکرد در دوره متوسطه نیز ادامه یابد و از طریق گفتگو، نقد، تجزیه و تحلیل متون به اجرا درآید.

تغییر در سیاست‌ها و نگرش‌های آموزشی و برنامه ریزی

نظام آموزشی باید دانش‌آموزان را به خودباوری و خودشکوفایی برساند تا توانمندی‌های خود را کشف کنند و در مواجهه با چالش‌ها موفق باشند. همچنین، ظرفیت‌های علمی و منطقه‌ای باید فرصت بروز یابند. تاکنون به دلیل محدودیت‌های کتاب درسی، معرفی زبان و فرهنگ مناطق به‌طور کامل انجام نشده است. در دوره‌های ابتدایی و اول متوسطه، درس‌های آزاد این فرصت را فراهم کرده‌اند تا دانش‌آموزان ادبیات بومی خود را تولید کنند. این رویکرد باید در دوره دوم متوسطه نیز تداوم یابد و به مبانی دینی، هویت ملی، فرهنگ بومی و ادبیات منطقه‌ای توجه بیشتری شود.

ترویج فرهنگ مطالعه کتاب خوانی و پژوهش

در برنامه‌های زبان‌آموزی ابتدایی و دوره اول متوسطه، کتاب‌خوانی مورد توجه ویژه قرار گرفته است و بخشی از برنامه هفتگی به آن اختصاص دارد. معلمان می‌توانند منابع مفید را معرفی کنند و بخشی از آنها را در کلاس بخوانند. این رویکرد باید در دوره دوم متوسطه نیز ادامه یابد و فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش در برنامه آموزشی گنجانده شود.

ادامه منطقی ساختار و محتوای کتاب‌های فارسی ابتدایی در دوره متوسطه اول و دوم

کتاب‌های فارسی دوره دوم متوسطه باید ادامه منطقی دوره ابتدایی و اول متوسطه باشد تا تسلسل و جامعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی حفظ شود. این تداوم کمک می‌کند تا دانش‌آموزان بدون سردرگمی و تکرار بیهوده، مطالب را به‌صورت منطقی دریافت کنند. بنابراین، ضروری است که برنامه آموزشی فارسی متوسطه در قالب برنامه‌ای جدید طراحی شود.

توجه به نیازهای مخاطبان و انتظار زمانه

نیازسنجی و هماهنگی با نیازهای مخاطبان در هر دوره تحصیلی بسیار مهم است. برنامه‌ها باید هم با نیازهای آینده شغلی و زندگی جوانان مطابقت داشته باشد و هم با ذائقه و انتظارات زمانه سازگار باشد. بنابراین، برنامه‌ها باید هر چند سال یکبار به‌روزرسانی شوند تا با شرایط روحی-روانی و نیازهای هر گروه سنی هماهنگ باشند و از شکاف‌های فرهنگی-اجتماعی جلوگیری کنند.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی دوره دوم متوسطه

رویکرد برنامه درسی بر اساس برنامه ملی جمهوری اسلامی ایران استوار است و بر شکوفایی فطرت الهی تأکید دارد. این برنامه حول پنج عنصر اصلی علم، تفکر، ایمان، اخلاق، و عمل سازماندهی شده است و در چهار پهنه خالق، خلق، خلقت، و انجام به اجرا درمی‌آید. و شامل یک رویکرد اصلی و چند رویکرد فرعی می‌باشد.

رویکرد اصلی: رویکرد مهارتی

رویکرد اصلی برنامه آموزشی بر اساس «رویکرد مهارتی» است که خواندن را به‌عنوان یک مهارت اکتسابی می‌داند. این برنامه بر تمرین عملی و بازخوانی تأکید دارد و از مباحث حفظ کردنی پرهیز می‌کند. دانش‌آموزان باید فرصت تمرین خوانش و نقد متون را در کلاس تجربه کنند. تأکید اصلی بر متن‌پژوهی است که شامل کالبدشناسی و کالبدشکافی عملی متون در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری است. این رویکرد سطح درک و فهم را افزایش می‌دهد و دانش‌آموزان را به مهارت نقد عملی می‌رساند.

۱. رویکرد پیکره نگر (کلی) ۲. رویکرد فعالیت محوری ۳. رویکرد تلفیقی ۴. رویکرد ساختاری ۵. رویکرد نقش گرایی ۶. رویکرد ارتباطی

رویکرد پیکره نگر بر اساس روان شناسی گشتالت (از کل به جز) می باشد. در برنامه های درسی، ابتدا صورت کلی یک موضوع آموزش داده می شود و سپس با تجزیه کل به اجزای سازنده آن پرداخته می شود. برای مثال، در شعرخوانی، ابتدا کل شعر برای درک مفهوم آن خوانده می شود، سپس به تحلیل آن از منظرهای زبانی، ادبی و فکری پرداخته می شود. رویکرد فعالیت محوری در برنامه درسی فارسی متوسطه، با توجه به ماهیت مهارتی زبان و ادبیات فارسی، به جنبه های مختلف دانش آموزان توجه می کند و عناصر محتوا و فعالیت های یادگیری را متناسب با آن سازماندهی می کند. رویکرد تلفیقی این درس به صورت درهم تنیده است و هدف آن تقویت توانایی های ذهنی مانند درک، فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب، بازسازی، نقد، داوری، ارتباط با دیگران، ابراز وجود، بیان احساسات، و افزایش خلاقیت است. این رویکرد در شش حوزه زیر انعکاس می یابد:

۱. تلفیق مهارت های زبانی ۲. تلفیق مهارت های ادبیات فارسی ۳. تلفیق اطلاعات و دانش های زبانی، ادبی متون ۴. تلفیق مفاهیم فرهنگی، اجتماعی، دینی و ملی در محتوا ۵. تلفیق زبان و ادبیات فارسی با سایر دروس ۵. تلفیق آموخته ها با پیش نیازها

رویکرد ساختاری: این رویکرد بر عناصر و مؤلفه های مرتبط به هم در زبان و ادبیات تأکید دارد تا دانش آموزان بر سازه ها و عناصر زبانی و ادبی تسلط یابند. این رویکرد معمولاً در حوزه های آواشناسی، واحدهای دستوری و واژگانی قرار می گیرد. رویکرد نقش گرایی: در این رویکرد، زبان و ادبیات به عنوان ابزاری برای بیان معانی در نظر گرفته می شود. تأکید بر جنبه کاربردی و تولیدی زبان است و از عناصر زبان و ادبیات به منظور تسهیل معنا و کاربرد استفاده می شود. در این رویکرد، نقش و معنای زبان مهم تر از صورت و ساخت ظاهری آن است.

رویکرد ارتباطی: زبان ابزاری برای ایجاد روابط و تعامل سازنده میان افراد در شرایط اجتماعی واقعی می باشد. در این رویکرد، توانش ارتباطی بر توانش زبانی و ادبی و درک مطلب بر تولید زبان و ادبیات ارجحیت دارد. به عنوان یک رویکرد تلفیقی در برگیرنده رویکردهای ساختاری و نقش گرایی در حوزه زبان و ادبیات شناخته می شود.

اصول و راهکارهای برنامه آموزشی زبان و ادبیات فارسی شامل ۲۱ اصل که به شرح زیر می باشند:

اصل ۱- جنبه های کاربردی و مهارتی:

تدوین محتوا بر اساس روش فعالیت محوری، تقویت همزمان مهارت های شفاهی و کتبی، و ارزشیابی بر اساس چهار مهارت زبانی و دو مهارت تفکر و نقد، در نظر گرفتن فعالیت های عملی کاربردی و هم چنین فعالیت های اضافی در روش تدریس. اصل ۲- تقویت تفکر انتقادی:

پیش‌بینی داستان‌ها با پیام‌های غیرمستقیم، فعالیت‌های آشناسازی با مراحل تفکر منطقی، و پیش‌بینی تمرین‌های خلاق و فعال در ارزشیابی، آموزش غیرمستقیم توانایی‌های ذهنی، در نظر گرفتن فعالیت‌ها برای تقویت درک سمعی و برداشت از مفاهیم.

اصل ۳- استفاده از دستاوردهای علمی:

بهره‌گیری از پژوهش‌های مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی، کاربرست یافته‌های پژوهشی در برنامه، و پیش‌بینی ساختار برنامه بر اساس یافته‌های پژوهشی.

اصل ۴- سیر برنامه از ساده به تکامل یافته :

تسلسل منطقی برنامه از زبان به ادبیات، ادامه منطقی مباحث زبانی و ادبی، و آموزش نکته‌های زبانی بر اساس بسامد و ضرورت.

اصل ۵- سازماندهی از زبان طبیعی به معیار:

ارائه تمرین‌های تبدیل زبان گفتار به نوشتار، طراحی فعالیت‌های یادگیری از مهارت‌های شفاهی به کتبی، و انتخاب متون مناسب با حرکت از ساده به پیچیده، بهره‌گیری از ویژگی‌های زبان و فرهنگ.

اصل ۶- زبان انتخابی:

استفاده از زبان ساده و صمیمی متناسب با ذهن دانش‌آموزان، بهره‌گیری از اصول ساده‌نویسی، و تهیه متون متنوع زبانی و ادبی.

اصل ۷- گسترش حوزه‌های زبان فارسی:

پیش‌بینی تمرین‌های آواشناسی، معناشناسی، و دستور زبان، و فعالیت‌هایی برای پاره مهارت‌های آوایی و ساخت واژه.

اصل ۸- استفاده از یافته‌ها و نظریه‌های نوین:

توجه به مهارت‌های زبانی و فرازبانی، رعایت رویکردهای نوین، و استفاده از نظریه‌های شناختی و فراشناختی.

اصل ۹- رعایت رسم الخط:

نظارت بر رعایت رسم الخط مصوب، هماهنگی با مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، و تعمیم آن در سایر منابع آموزشی.

اصل ۱۰- تقویت مهارت‌های زندگی در جوانان:

از طریق آشنا کردن دانش‌آموزان با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، گنجاندن مهارت‌های زندگی در کتاب‌های درسی و بهره‌گیری از متون ادبی.

اصل ۱۱- تقویت روحیه مطالعه و کتابخوانی:

با پیش‌بینی بخش‌های کتابخوانی، آموزش شیوه‌های مطالعه، اختصاص ساعت مطالعه، تجهیز کتابخانه‌ها و جلب مشارکت نهادهای فرهنگی.

اصل ۱۲- آموزش غیرمستقیم نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی:

از طریق روش‌های فعال، قالب‌های داستانی و شعری، و استفاده از فناوری‌های آموزشی و مواد کمک آموزشی.

اصل ۱۳- تقویت خلاقیت و ذوق هنری و ادبی:

با پیش‌بینی محتوای خلاق، تمرین‌های تقویت‌کننده خلاقیت، استفاده از هنر و ادبیات متنوع، و روش‌های خلاقانه در نوشتن و سرودن.

اصل ۱۴- ترویج رفتارهای اخلاقی و اجتماعی:

با معرفی الگوهای اخلاقی، مقاومت‌سازی در برابر آسیب‌های اجتماعی، و ترویج مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در برنامه.

اصل ۱۵- توجه به نقش سازنده زن و مرد:

با معرفی چهره‌های بزرگ از هر دو جنس، استفاده از آثار آنها، و مشارکت نویسندگان و شاعران زن و مرد در تهیه برنامه.

اصل ۱۶- تنوع جغرافیایی و فرهنگی:

استفاده از زبان فارسی معیار، آشناسازی دانش‌آموزان با فرهنگ‌های منطقه‌ای و ملی، و توجه به فرهنگ عمومی و ملی.

اصل ۱۷- ارتباط با دانش‌های بشری:

در نظر گرفتن مباحث مرتبط دانش ادبی، ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌ها، استفاده از فناوری آموزشی، بهره‌گیری از نمونه‌های تعامل بین دانش و ادبیات.

اصل ۱۸- تقویت حافظه دیداری و شنیداری:

استفاده از تمرین‌های مناسب برای تقویت حافظه، تولید مواد کمک آموزشی برای سواد دیداری و شنیداری.

اصل ۱۹- ابراز وجود و اعتماد به نفس:

پیش‌بینی درس‌هایی برای بیان دیدگاه‌ها و احساسات دانش‌آموزان، فعالیت‌های گروهی و نقد و اظهار نظر درباره آثار هنری.

اصل ۲۰- همسویی با علایق و نیازهای دانش‌آموزان:

انتخاب متون جذاب، توجه به دنیای جوانان، هماهنگی تصاویر با ذهنیت جوانان، استفاده از الگوهای مورد علاقه، و توجه به اصول روان‌شناسی.

اصل ۲۱- انعطاف‌پذیری برنامه:

تدوین اهداف بر اساس نیازهای جامعه و دانش‌آموزان، انتخاب مفاهیم متناسب، استفاده از تمرین‌های متنوع، پیشنهاد روش‌های تدریس مناسب، استفاده از فناوری آموزشی، و ارزشیابی بر اساس مصوبات حوزه سنجش و اندازه‌گیری.

اهداف کلی آموزش علوم و فنون ادبی در پایه یازدهم به شرح زیر است:

۱. تقویت درک مفاهیم و مضامین متون ادبی ۲. تقویت مهارت در خوانش صحیح و درک مفاهیم ۳. کالبدشکافی متن در سه

قلمرو زبانی، ادبی و فکری ۴. آشنایی با سیر تاریخی زبان و ادبیات فارسی (قرن هفتم تا یازدهم) ۵. تحلیل و بررسی آثار

ادبی ۶. آشنایی با سبک‌های شعر فارسی (عراقی و هندی) ۷. آشنایی با انواع نثر فارسی ۸. آشنایی با ویژگی‌های سبک

عراقی و هندی ۹. تقویت مهارت تشخیص ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری ۱۰. ارتقای مهارت مقایسه انواع نثر ۱۱. آشنایی با چهره‌های شاخص شاعران و نویسندگان ۱۲. پرورش توانایی استخراج نکات زبانی، ادبی و فکری ۱۳. توانایی تشخیص ویژگی‌های سبکی ۱۴. تقویت حس شنیداری در دریافت آهنگ و موسیقی کلام ۱۵. درک پایه‌های آوایی و خوشه‌های آوایی ۱۶. آشنایی با زیبایی‌های سخن (تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه) ۱۷. پرورش علاقه مندی به تحلیل و بررسی آثار ادبی ۱۸. تقویت علاقه مندی به مطالعه متون نظم و نثر ۱۹. پرورش مهارت بلاغت و فصاحت در سخن. (ص ۱۸ کتاب)

بررسی ساختار و محتوای کتاب علوم و فنون ادبی (۲)

کتاب علوم و فنون ادبی پایه یازدهم از چهار فصل تشکیل شده است: ۱. تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی ۲. موسیقی شعر ۳.

بیان

ساختار کتاب شامل:

آغاز با ستایش و پایان با نیایش، چهار فصل و دوازده درس، هر فصل شامل سه درس، فعالیت‌های خودارزیابی در پایان هر درس، کارگاه تحلیل فصل در پایان هر فصل برای ارزشیابی، یادآوری و تعمیق مطالب

سازه‌های هر درس شامل:

#### تذکر:

- پرسش‌های نوشتاری در کتاب از ساده به دشوار و از مفاهیم محسوس به معقول تنظیم شده‌اند.
- سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری به ترتیب از سطح به عمق بررسی می‌شوند. قلمروهای زبانی و ادبی هنجاری هستند و بر اساس دستور زبان و زیبایی‌شناسی ادبی ارزشیابی می‌شوند.
- در مقابل، قلمرو فکری فراهنجار است و پاسخ‌ها به آن بسته به درک و دریافت خواننده، شناور و گوناگون خواهد بود.

متن درس به روش مستقیم، نمودار، فعالیت‌های نوشتاری و خودارزیابی بر اساس اصل ساده به پیچیده.

این کتاب ادامه مطالب پایه دهم است و به شیوه قیاسی از کل به جزء ارائه می‌شود. در هر فصل، سه درس وجود دارد:

۱. تاریخ ادبیات یا سبک‌شناسی: به ویژگی‌های تاریخی و سبکی آثار نظم و نثر فارسی می‌پردازد.

۲. موسیقی شعر: فنون ادبی مانند عروض را آموزش می‌دهد تا خواننده بتواند وزن و آهنگ مناسب را تشخیص دهد.

#### توجه:

- هدف از فعالیت‌های کارگاه تحلیل فصل، تقویت، تعمیق و گسترش آموزه‌های درس است. برای اجرای بهتر این بخش، پیشنهاد می‌شود:
- **گفتگو و بحث گروهی:** دانش‌آموزان در گروه‌ها به بحث پردازند و سپس پاسخ‌ها را به صورت فردی بنویسند.
- **استفاده از روش‌های فعال و کارگروهی:** این روش‌ها باعث ایجاد نشاط و انتقال بهتر مفاهیم می‌شود و فرصت ابراز وجود و نشان دادن توانایی‌ها را فراهم می‌کند.
- **استفاده از کارافزارهای شنیداری:** برای درست خوانی شعر، از ابزارهای شنیداری یا خوانش دقیق معلم استفاده شود تا دانش‌آموزان فراز و فرودهای آوایی را درک کنند.
- **تمرین‌های منطقی:** حدود ۵ تا ۱۰ تمرین برای هر درس در نظر گرفته شده که برای رشد مهارت‌های زبانی، ادبی، درک متن، و کالبدشکافی متن در سه قلمرو زبانی، فکری و ادبی طراحی شده‌اند.

۳. بیان: مباحث زیبایی‌شناسی مانند تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را پوشش می‌دهد و دانش‌آموزان را با آرایه‌ها و زیبایی‌های سخن آشنا می‌کند.

کلیاتی مربوط به خوانش متن

خواندن متن، اگرچه در نگاه اول به عنوان هدف اصلی به نظر نمی‌رسد، اما بنیاد هر کالبدشکافی و نقد و داوری درست است. خوانش صحیح و بهنجار، ما را به درک درست متن راهنمایی می‌کند و از طریق آن، می‌توانیم نبض متن را شناسایی کنیم.

اهداف:

۱. رشد توانایی درک خوانداری ۲. تقویت درک پیام متن ۳. بررسی محتوای متن از طریق خوانش ۴. استفاده از شیوه‌ها و لحن‌های مناسب در خواندن ۵. توسعه آداب و عادات پسندیده در خواندن ۶. گسترش وسعت دید در خواندن ۷. رشد دقت بصری و سرعت مناسب در خوانش.

فرایند خواندن:

- خواندن یک عمل تعاملی است که بین متن و خلاقیت‌های ذهنی خواننده ایجاد می‌شود. که شامل دو نوع خواندن است:
- خواندن پذیرا: خواننده تنها به درک جمله به جمله متن می‌پردازد و تصویر کلی از اثر را نمی‌تواند به دست آورد.
  - خواندن پویا: خواننده با استفاده از جریان فعال ذهنی و دریافت معنا، تصاویر و تخیل، ارتباط ویژه‌ای با متن برقرار می‌کند و خواندن را به یک فعالیت پویا تبدیل می‌کند. (ص ۲۲ کتاب)

لحن در زبان فارسی:

لحن و آهنگ خواندن، فرآیندی هستی‌بخش به هر اثر ادبی و هنری است که فضا سازی در سطح آوایی سخن را شامل می‌شود. لحن، گرفتن نبض متن است و خواننده را در فضای حسی و عاطفی اثر قرار می‌دهد. این همسویی با متن، دگرگونی و تحول در خواننده ایجاد می‌کند.

لحن حماسی

در شعرهای حماسی مانند شاهنامه، لحنی کوبنده است که دلاوری‌ها و شجاعت‌ها را به شنونده منتقل می‌کند. برای خواندن شعر حماسی، باید:

۱. آهنگ شعر را رعایت کرد: مانند فعولن فعولن فعولن فعل

به مغز پشنگ اندر آمد شتاب      چو دید آن سهی قدّ افراسیاب (ص ۲۳ کتاب)

۲. کشش آوایی ایجاد کرد: برای مثال، در کلمات مانند "شتاب"، "افراسیاب"، خواننده باید حروف مشترک را کشیده بخواند تا آهنگ و لحن شعر حفظ شود.

به مغز پشنگ اندر آمد شتاب      چو دید آن سهی قدّ افراسیاب

۳. تشدیدها را درست خواند: تأکید بر تشدیدهای موجود در متن.

۴. از زبان بدن استفاده کردن: حرکات دست و بدن برای تجسم صحنه‌ها، مانند کاری که نقالان در هنگام شاهنامه خوانی انجام می‌دهند.

۵. تنوع لحنی را رعایت کردن: با تغییر شخصیت‌ها، لحن و آهنگ متن هماهنگ شود و انواع لحن مانند تعلیمی، غنایی، ستایشی و... را در خود جای دهد. (ص ۲۴ کتاب)

لحن داستانی-روایی

لحنی نرم و ملایم است که در تعریف کردن و بازگویی قصه‌ها و حکایت‌ها استفاده می‌شود. این لحن معمولاً با عباراتی مانند "یکی بود، یکی نبود" آغاز می‌شود و همراه با مفاهیم آموزنده و پندآموز است. برای خواندن متون روایی، باید:

۱. لحن مناسب را انتخاب کرد: بر اساس موضوع و محتوا ۲. مانند تعریف یک واقعه بخوانید: با لحن پندآموز یا طنز ۳. سجع‌ها و تکیه کلمات را رعایت کنید ۴. اشعار داخل حکایات را با لحن مناسب بخوانید ۵. علائم نگارشی را دقیق رعایت کنید ۶. با آرامش و اطمینان بخوانید: مانند کسی که از قضیه آگاه است ۷. از سکون‌ها و سکوت‌های بهنگام استفاده کنید ۸. به گونه‌ای بخوانید که شنونده مشتاق شنیدن ادامه ماجرا باشد ۹. سرعت خواندن را کمتر کنید.

لحن گفت‌وگو (مناظره/پرسش و پاسخ)

۱. مناظره: گفت‌وگوی روایی با هدف چیره شدن بر دیگری. لحن پرسشگر معمولاً تند و محکم است، در حالی که لحن پاسخ‌دهنده آرام و متین است. خواننده می‌تواند نقش آفرینی کند و دو لحن را با دو چهره متفاوت بیان کند.

۲. رجزخوانی: هر دو نفر به شرح دلاوری‌ها و افتخارات خود با لحنی حماسی می‌پردازند، مانند رستم و اسفندیار در شاهنامه.

۳. گفت‌وگوی عادی: این گفت‌وگوها با توجه به فضای داستان و عواطف موجود شکل و لحن خاص خود را می‌یابند.

نکات خواندن گفت‌وگوها:

لحن دو طرف گفت‌وگو را با توجه به شخصیت آنها در نظر بگیرید، لحن راوی را نیز در نظر بگیرید اگر گفت‌وگو دارای راوی است، عواطف و احساسات دو طرف مکالمه را رعایت کنید، هم‌حس شدن و گرفتن حالت دو طرف باعث تمایز گفته‌ها می‌شود، تغییر مناسب لحن گفتار به تناسب موقعیت شغلی و اجتماعی افراد و حالات آنها را در نظر بگیرید.

لحن طنز: طنز در حکایت‌ها و داستان‌ها استفاده می‌شود و معمولاً با نتیجه‌ای خنده‌دار تمام می‌شود. لحن طنز به ایجاد لبخند در مخاطب می‌پردازد.

مانند: وای وای! الهی روده ت بیره، چقدر حرف می‌زنی! حوصله م سر رفت. (دهخدا)

لحن میهنی/ وطنیه: این لحن در شعرهای وطن‌پرستانه استفاده می‌شود و شاعر با تحریک احساسات ملی، مخاطبان را به دفاع از میهن فرا می‌خواند. مانند بیت زیر:

وطن ما به جای میهن ماست      میهن خویش را نگهبانیم (ایرج میرزا)

لحن ستایشی: مخصوص ستایش خداوند است و شاعر او را به خاطر آفرینش بی‌همتا و قدرت بی‌نظیرش می‌ستاید. مانند بیت زیر:

آفرین جان آفرین پاک را      آنکه جان بخشید و ایمان خاک را (عطار)

لحن مدحی: در مورد انسان است و شاعر با کوچک‌تر دیدن خود، ممدوح را توصیف می‌کند. این لحن شبیه ستایش است، اما محدودتر. مانند بیت زیر:

محمد کافرینش هست خاکش      هزاران آفرین بر جان پاکش (نظامی)

لحن تعلیمی (اندرزی): با لحن آرام و آهسته، نکات مهم زندگی را به مخاطب منتقل می‌کند. این لحن پدرا نه است و به پند و اندرز می‌پردازد.

لحن مناجات: راز و نیاز با خداوند است و لحن آن آکنده از عاطفه و فروتنی است. خواننده باید حس خشوع و خضوع را رعایت کند.

لحن توصیفی: برای وصف جزئیات و ویژگی‌ها استفاده می‌شود. این لحن معمولاً نرم است و از تخیل و آرایه‌های ادبی مانند تشبیه و تشخیص بهره می‌برد.

نکات خواندن متن‌های توصیفی: لحن توصیفی می‌تواند در کنار دیگر لحن‌ها کامل شود، آهنگ کلام معمولاً نرم و آرام است، دقت نظر و تخیل نقش مهمی دارند، این لحن به لحن روایی نزدیک است.

گونه‌های خواندن

۱. بلندخوانی: روشی مؤثر برای شروع خواندن است که از دو فرایند ادراکی شنیداری و بصری استفاده می‌کند. در دوره دوم متوسطه، با توجه به رشد شناختی دانش‌آموزان، از روش‌های صامت خوانی استفاده می‌شود.

۲. صامت خوانی: روش‌هایی که مبتنی بر صامت خوانی هستند:

۱. دقیق خوانی: درک کامل متن و حفظ آن در حافظه ۲. خواندن تجسمی: تحریک کنجکاوی و مشارکت فعالانه در مطالعه

۳. خواندن انتقادی: تجزیه و تحلیل متن و ابراز نظر ۴. خواندن التذادی: پرورش حس زیبایی‌شناسی و ذوق ادبی.

۳. روان خوانی:

۱. فواید: پرورش مهارت‌های زبانی، رشد کلامی، پویایی ذهن و خلاقیت ۲. آموزش غیرمستقیم املا: دانش‌آموزان شکل درست کلمات را می‌بینند و در ذهنشان ثبت می‌کنند ۳. پرورش شخصیت: قصه خوانی به درونی شدن ارزش‌های اخلاقی و اصلاح رفتارهای دانش‌آموزان کمک می‌کند ۴. تأکید برنامه درسی: بر خواندن حداقل یک کتاب در هفته و بحث در کلاس در مورد عناصر داستان.

روش‌های یاددهی و یادگیری در برنامه درسی فارسی:

برنامه درسی برای آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی، پرورش تفکر، گسترش گنجینه لغات، و ایجاد ذوق ادبی در دانش‌آموزان، از روش‌های زیر استفاده می‌کند:

۱. بحث گروهی: دانش‌آموزان در گروه‌ها به گفتگو می‌پردازند و با هدایت معلم به نقد و تحلیل مطالب می‌رسند. این روش مشارکتی است و به پرورش مهارت‌های نقد و تحلیل کمک می‌کند.

۲. ایفای نقش، قصه گویی و نمایش خلق: استفاده از نمایش و قصه گویی برای درک عینی مفاهیم. این روش به ایجاد ارتباط انسانی و عاطفی، نظم بخشی به افکار و گفتار، و پرورش تفکر و خلاقیت کمک می‌کند.

۳. گردش علمی و مشاهده: دانش‌آموزان به بیرون از کلاس می‌روند تا از نزدیک به آثار تاریخی و ادبی آشنایی یابند. آنها با توصیف و طبقه‌بندی اطلاعات به پرورش مهارت‌های زبانی و ادبی خود می‌پردازند.

۴. تفکر استقرایی: دانش‌آموزان اطلاعات را جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌کنند و به تفسیر و کشف ارتباط بین یافته‌ها می‌پردازند. این روش برای آموزش نکات املایی، انشایی و دستور زبان مفید است.

۵. بدیعه پردازی: دانش‌آموزان با گفتگو و قیاس درباره موضوع انشا، به تفکر خلق و پرورش عواطف می‌رسند. این روش برای آموزش انشا و نگارش استفاده می‌شود.

۶. حل مسئله: دانش‌آموزان به توصیف و تبیین یک مشکل می‌پردازند و راه حل‌هایی برای آن پیدا می‌کنند. سپس علت وقوع حوادث را بررسی و ارتباط علت و معلول را کشف می‌کنند.

۷. واحد کار (طرح و پروژه): دانش‌آموزان به جمع‌آوری اطلاعات در خارج از کلاس می‌پردازند، گزارش تهیه می‌کنند و آن را در کلاس ارائه می‌دهند. این روش برای تقویت حس پژوهش و مهارت‌های جست‌وجوگری مفید است.

۸. روش کارایی گروه: دانش‌آموزان به گروه‌ها تقسیم می‌شوند و تکلیف خود را به صورت انفرادی می‌خوانند. سپس به سؤال‌های آزمون پاسخ می‌دهند و در گروه به بحث و ارزیابی پاسخ‌ها می‌پردازند. در نهایت، نمره مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می‌کنند.

۹. روش تدریس اعضای گروه: هر دانش‌آموز بخشی از موضوع را مطالعه می‌کند و سپس به گروه خود برمی‌گردد تا به نوبت به دیگران تدریس کند. این روش بر دو اصل استوار است: هر فرد بخشی از موضوع را می‌خواند و به دیگران می‌آموزد، و هر

فرد هم به عنوان معلم و هم شاگرد عمل می‌کند. این روش برای پوشش سریع موضوعات در زمان کوتاه مناسب است.

اجرای طرح:

۱. آمادگی فردی: هر فراگیرنده یک بخش از موضوع را دریافت می‌کند و فقط آن را مطالعه می‌کند. اطمینان حاصل می‌شود که دانش‌آموزان از یکدیگر یاد بگیرند نه از مطالعه تمام بخش‌ها.
  ۲. کار تیمی: فراگیرندگان با همتایان خود جمع می‌شوند تا اشکالات خود را رفع کنند و روش ارائه را بهبود بخشند.
  ۳. تدریس به نوبت: در گروه، هر فراگیرنده به نوبت بخش خود را تدریس می‌کند. می‌توانند از یادداشت‌ها استفاده کنند، اما به متن اصلی رجوع نمی‌کنند. سایر اعضا می‌توانند سؤال بپرسند یا مخالفت کنند.
  ۴. آزمون کل موضوع: پس از تدریس، آزمونی از کل موضوع گرفته می‌شود که شامل سؤال‌های هر بخش و درک مطلب عمومی است.
  - این روش بر دو اصل استوار است: هر فراگیرنده بخشی از موضوع را مطالعه می‌کند و به دیگران می‌آموزد، و هر فرد هم به عنوان معلم و هم شاگرد عمل می‌کند.
  ۵. ارزیابی خود: پس از آزمون، فراگیرندگان به سؤال‌های خود نمره می‌دهند و نمرات فردی و معدل را محاسبه می‌کنند. این کار به آنها کمک می‌کند تا فهم خود را ارزیابی کنند و پیشرفت فردی در یادگیری را بسنجند. اختلاف بین نمرات فردی و معدل گروه نشان‌دهنده کارایی تدریس و یادگیری است.
  ۶. ارزیابی کارایی تدریس فراگیران
  ۷. ارزشیابی نهایی: در نهایت، از فراگیرندگان برای جمع‌بندی مطالب و ارزشیابی نهایی سؤال می‌شود.
  ۸. روش داورى عملکرد: فراگیرندگان کار خود را ارائه می‌دهند و اعضای گروه آن را با معیارهای فراگرفته شده مقایسه می‌کنند. سپس انتقادات را دریافت می‌کنند و عملکرد خود را ارزیابی می‌کنند.
  ۹. روش روشن سازی طرز تلقی: برای درس‌های با مفاهیم ذهنی مناسب است. فراگیرندگان با پاسخ دادن به سؤال‌ها یا تکمیل جملات، طرز تلقی خود را ارزیابی می‌کنند و پس از بحث، به توافق می‌رسند.
  ۱۰. روش پرسش و پاسخ: معلم پرسش‌های مناسب را طرح می‌کند تا دانش‌آموزان به سمت اهداف برنامه هدایت شوند. این روش مهارت‌های گوش دادن، سخن گفتن، نقد و تحلیل، و حافظه شنیداری را تقویت می‌کند.
- الگوی تدریس چیست؟
- الگوی تدریس به عنوان یک چارچوب ویژه، عناصر مهم تدریس را در خود جای می‌دهد و به معلمان کمک می‌کند تا روش‌های مناسب تدریس را انتخاب کنند. تدریس یک فرآیند پیچیده است بنابراین معلمان باید یک چارچوب کوچک و قابل کنترل را به عنوان الگو انتخاب کنند.
- الگوی عمومی تدریس
- این الگو توسط رابرت گلنزر در سال ۱۹۶۱ مطرح شد و در سال ۱۹۷۱ توسط راجر رابینسون اصلاحات انجام شد. این الگو فرآیند تدریس را به پنج مرحله تقسیم می‌کند:

مرحله اول: تعیین هدف‌های تدریس و رفتاری: معلم باید هدف‌های تدریس خود را به صورت صریح و قابل اندازه‌گیری تعریف کند.

مرحله دوم: تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی: تشخیص میزان آمادگی فراگیرندگان بر اساس یادگیری‌های گذشته و توانایی‌های آنها.

مرحله سوم: تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس: انتخاب روش‌ها و وسایل تدریس بر اساس مفاهیم درس و شرایط فراگیرندگان.

مرحله چهارم: سازماندهی شرایط آموزشی: استفاده حداکثری از امکانات موجود برای تحقق اهداف آموزشی.

مرحله پنجم: ارزشیابی و سنجش عملکرد: ارزیابی میزان یادگیری شاگردان پس از تدریس. (ص ۴۱ تا ۴۳)

دو نمونه از الگوهای عمومی تدریس عبارت اند از: ۱. الگوی پیش سازمان دهنده ۲. الگوی حل مسئله

۱. الگوی پیش سازمان دهنده:

این الگو به شاگردان کمک می‌کند تا مفاهیم جدید را با مباحث پیشین مرتبط کنند و یک ساختار منظم در ذهن خود ایجاد کنند.

ویژگی های الگوی پیش سازمان دهنده شامل ۴ پارامتر می باشد

۱. مراحل اجرای الگوی پیش سازمان دهنده

گام اول: مطالب پیش سازمان دهنده: ارائه مفاهیم کلی در ابتدای تدریس.

گام دوم: ارائه مطالب جدید: تشریح مفاهیم درس جدید.

گام سوم: مثال‌ها و نمونه‌ها: ارائه مثال‌ها برای تفهیم بیشتر مطالب و مرتبط کردن آنها با مفاهیم پیش سازمان دهنده.

۲. کنش و واکنش معلم نسبت به شاگردان در الگوی پیش سازمان دهنده:

معلم: ارائه کننده مفاهیم پیش سازمان دهنده و مطالب درسی.

شاگردان: دریافت کننده و پذیرنده مطالب درسی. معلم باید مطمئن شود که شاگردان پیش سازمان دهنده را درک کرده‌اند و

می‌توانند آن را با مطالب بعدی مرتبط کنند.

۳. روابط میان گروهی در الگوی پیش سازمان دهنده:

در این الگو، انتقال اطلاعات یک طرفه است و از معلم به شاگردان می‌باشد.

معلم می‌تواند با طرح پرسش‌های راهنمایی کننده، شاگردان را به شرکت در بحث‌های کلاس تشویق کند تا روابط میان

گروهی افزایش یابد.

۴. شرایط و منابع لازم در الگوی پیش سازمان دهنده:

منابع آموزشی محدود به معلم، کتاب و کلاس درس است و شرط اصلی استفاده از این الگو، وجود معلمی است که از

روش‌های مناسب آگاه باشد.

محاسن و محدودیت‌های الگوی پیش سازمان دهنده:

محاسن: مناسب برای نظام‌های آموزشی فقیر: با تجربه بودن معلمان و محدودیت امکانات آموزشی، این الگو برای استفاده حداکثری از زمان آموزشی محدود مناسب است.

سازماندهی مفاهیم: مفاهیم به صورت منظم در ساخت شناختی شاگردان جای می‌گیرد.

الگوی خوب برای دروس نظری: به ویژه برای دروس نظری در دوره‌های ابتدایی و متوسطه مناسب است.

محدودیت‌ها: تسلط معلم: تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می‌شود و دانش‌آموزان در فرآیند آموزشی نقش فعالی ندارند.

عدم ارتباط با زندگی واقعی: محتوای آموزشی چندان با زندگی واقعی دانش‌آموزان ارتباطی ندارد.

کمبود توجه به مسائل روانی و اجتماعی: به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان کمتر توجه می‌شود و رضایت خاطر

آنها چندان مورد توجه نیست. (ص ۴۳ تا ۴۵ کتاب)

## ۲. الگوی حل مسئله:

دانش‌آموزان فرضیه‌های خود را از طریق پژوهش و شواهد آزمایش می‌کنند و به نتیجه‌گیری می‌رسند. فعالیت دانش‌آموزان:

معلم با طرح مسئله، دانش‌آموزان را به فعالیت وادار می‌کند و در حل مسئله راهنمایی می‌کند. روابط میان گروهی: روابط

دو سویه بین معلم و شاگردان وجود دارد و انتقال اطلاعات به صورت دو طرفه است. منابع آموزشی: منحصر به کلاس و کتاب

درسی نیست و به زمان، مکان، امکانات و معلمان با تجربه نیاز دارد. یادگیری فعال: دانش‌آموزان با استفاده از تجارب و

دانسته‌های پیشین خود، به حل مسائل محیطی می‌پردازند.

مراحل اجرای الگوی حل مسئله:

۱. تقسیم به گروه‌ها: کلاس به گروه‌های ۵ یا ۶ نفره تقسیم می‌شود.

۲. طرح مسئله: یک مسئله قابل حل برای شاگردان طرح می‌شود.

۳. گردآوری اطلاعات: دانش‌آموزان با کمک معلم، اطلاعات را از طریق مطالعه و مشاهده جمع‌آوری می‌کنند.

۴. فرضیه‌سازی: شاگردان راه حل‌های احتمالی را حدس می‌زنند و فرضیه می‌سازند.

۵. آزمون فرضیه: شاگردان فرضیه خود را آزمایش می‌کنند و شواهد را تحلیل می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری: شاگردان نتایج را ارزیابی می‌کنند و تعمیم می‌دهند.

نقش معلم: مشاور و راهنمای دانش‌آموزان در حل مسئله. (ص ۴۶ کتاب)

عوامل مورد توجه در یادگیری: یادگیری، تغییرات نسبتاً ثابت و پایداری در رفتار بالقوه فرد بر اثر تجربه است.

۱. آمادگی جسمی، عاطفی و عقلی ۲. انگیزه و هدف: ایجاد رغبت در دانش‌آموزان و جهت‌دهی به فعالیت‌های انسانی ۳.

تجارب گذشته: درک مفاهیم جدید با مرتبط بودن با ساخت شناختی ۴. موقعیت و محیط یادگیری: تأثیر عوامل محیطی بر

کیفیت یادگیری.

۵. روش تدریس معلّم: اهمیت نگرش و روش تدریس در یادگیری ۶. رابطه کل و جزء: درک کل و جزء برای جلوگیری از

پربشانی فکر ۷. تمرین و تکرار: تأثیر در یادگیری با شرایط خاص ۸. احساس نیاز: آگاهی از ناکافی بودن دانش فعلی ۹.

تصور روشن از دانش و مهارت: هدفدار کردن یادگیری ۱۰. آگاهی از پیشرفت: اطلاع‌رسانی به شاگردان از پیشرفت خود ۱۱. توجه و دقت: مقدمه ادراک و یادگیری.

تدریس: فعالیتی آگاهانه با هدف تغییر در رفتار شناختی و سلسله فعالیت‌هایی مرتب، منظم، هدفدار و از پیش طراحی شده.

الگوی تدریس ساخت گرایی (5E): دلیل نام گذاری الگوی تدریس ساخت گرایی به الگوی 5E آغاز شدن هر ۵ مرحله با E می باشد.

از پویاترین و کارآمدترین الگوهای تدریس است که مراحل اجرای آن در ۵ مرحله برنامه ریزی شده است.

۱. درگیر کردن: جذب دانش‌آموزان (Engaging) ۲. کاوش: اکتشاف مفاهیم (Exploration) ۳. توصیف: تشریح کامل و جامع مفاهیم (Explanation) ۴. شرح و بسط: گسترش و توسعه مفاهیم (Elaboration) ۵. ارزشیابی: ارزیابی مستمر در هر مرحله (Evaluation)

ارزشیابی مستمر در تمام مراحل از ویژگی‌های خاص این الگو می باشد. (ص ۴۸ کتاب)  
عوامل مؤثر در تدریس

- عوامل مؤثر: شخصیت معلم، زمینه‌های علمی و تجربی او، روابط اجتماعی و خانوادگی شاگردان، ویژگی‌های فردی شاگردان، اهمیت موضوع درس، قوانین آموزشی و جامعه.
- محدودیت کنترل: معلم نمی‌تواند همه عوامل را کنترل کند، اما می‌تواند با تعیین هدف‌های صریح، انتخاب الگوهای مناسب، استفاده از تجهیزات لازم و ایجاد ارتباط سالم با شاگردان، کیفیت تدریس را بهبود بخشد.

ارزشیابی

ارزشیابی تنها به آزمون‌های پایانی محدود نمی‌شود و برای اطمینان از تحقق اهداف برنامه درسی ضروری است و شامل اصول ذیل می باشد:

تناسب با اهداف آموزشی: شیوه‌های ارزشیابی باید با اهداف و عناصر برنامه درسی هماهنگ باشد.

تناسب با رویکرد برنامه: در برنامه‌های فعالیت‌محور، فرایند و نتیجه آموزش هر دو ارزشیابی می‌شوند.

شیوه‌های ارزشیابی: انتخاب شیوه‌هایی با کارایی بیشتر، استفاده از شیوه‌های متنوع: متناسب با ماهیت اهداف برنامه.

روش‌های ارزشیابی در درس زبان و ادبیات فارسی:

ارزشیابی مهارت‌های خوانداری، ارزشیابی تلفیقی مهارت‌های نوشتاری، ارزشیابی فرایند آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان،

ارزشیابی مستمر (تکوینی) در کنار ارزشیابی پایانی. (ص ۴۹ و ۵۰ کتاب)

نوع ارزشیابی: آزمون‌کتبی و آزمون شفاهی

آزمون کتبی: شامل سؤال‌های تکمیل کردنی، پاسخ کوتاه، انشایی برای ارزشیابی مهارت‌های نوشتاری.

آزمون شفاهی: شامل پرسش‌های شفاهی برای ارزیابی مهارت‌های گوش دادن، سخن گفتن، خواندن، درک متن و ریزمهارت‌های خوانداری.

چک لیست: برای ارزیابی عملکرد در مهارت‌های ارتباطی، توانایی‌های ذهنی، شرکت در فعالیت‌های گروهی و مهارت‌های شفاهی زبان.

انواع ارزشیابی:

- ۱- ارزشیابی تشخیصی: برای تعیین معلومات و رفتار ورودی و کشف دلایل مشکلات در یادگیری.
- ۲- ارزشیابی تکوینی: برای اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی در مراحل مختلف تدریس و اصلاح روش تدریس.
- ۳- ارزشیابی پایانی (تراکمی): برای تعیین میزان آموخته‌های دانش‌آموزان در یک دوره آموزشی و ارزیابی اثربخشی کار معلم و برنامه درسی.

ارزشیابی بر حسب نحوه اجرا به دو نوع تقسیم می‌شود:

- ۱- ارزشیابی انفرادی: شامل ارزشیابی شفاهی یا عملی است.
  - ۲- ارزشیابی گروهی: شرایط یکسانی را برای همه دانش‌آموزان فراهم می‌کند و معمولاً به صورت امتحان کتبی برگزار می‌شود.
- ارزشیابی بر حسب تفسیر نتایج به دو نوع تقسیم می‌شود:

- ارزشیابی معیاری: بر اساس معیار و ملاک مطلق از قبل تعیین شده انجام می‌شود.
  - ارزشیابی هنجاری: بر مبنای معیار نسبی است و دانش‌آموزان بر اساس نمره از زیاد به کم رتبه‌بندی می‌شوند.
- روش‌های مختلف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
- در فرایند ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، استفاده از یک روش خاص کافی نیست، زیرا جنبه‌های مختلف رفتاری دانش‌آموزان را نمی‌توان به آزمون‌های ساده محدود کرد. چهار روش ارزشیابی وجود دارد:
۱. ارزشیابی از طریق مشاهده: این روش با استفاده از حواس، به‌ویژه دیدن، به دآوری در مورد رفتار یا عمل معین از فرد می‌پردازد. این شیوه از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- مشاهده از لحاظ تعمق و دقت: سطحی یا عمقی.
- مشاهده از لحاظ خارجی یا داخلی بودن: خارجی (رفتار در حین عمل) یا داخلی (بیان خصوصیات توسط خود فرد).
- مشاهده از لحاظ موقعیت: طبیعی (بدون آگاهی) یا تصنعی (با شرایط خاص).
- مشاهده مستقیم یا غیرمستقیم: در مشاهده مستقیم، امکان بروز رفتار تصنعی زیاد است، اما در غیرمستقیم، رفتار طبیعی‌تر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مزایا: بررسی تفاوت‌های فردی در زمان غیرمحدود، مناسب برای همه گروه‌های آموزشی.

محدودیت‌ها: نیاز به دقت، هوشیاری و صرف وقت زیاد، امکان ایجاد موقعیت مناسب برای همه دانش‌آموزان وجود ندارد، و تفسیر رفتار در افراد مختلف متفاوت است.

۲. ارزشیابی از طریق انجام کار: این روش برای ارزیابی تغییرات در عمل استفاده می‌شود. در این شیوه، دانش‌آموزان می‌دانند که مورد آزمایش هستند و شرایط برای همه یکسان است. مثال‌های آن شامل امتحان آزمایشگاه، کارگاه و ورزش است. ارزشیابی از طریق آزمون شفاهی: مناسب برای سنجش معلومات، قدرت بیان، نظم فکری، استدلال، تمرکز افکار و شناخت حالات درونی است.

مزایا: بازخورد فوری دارد و مهارت‌های دانش‌آموزان را در رویارویی با واقعیت‌ها می‌سنجد، قدرت بیان و استدلال دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.

محدودیت‌ها: مستلزم صرف وقت زیاد است و خسته‌کننده است، دانش‌آموزان ممکن است به دلیل نقص بیان از پاسخ دادن خودداری کنند، عوامل محیطی بر پاسخ دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد و عینیت و اعتبار آن نسبت به آزمون کتبی کمتر است.

۳. ارزشیابی از طریق آزمون کتبی: به دو نوع تقسیم می‌شوند:

آزمون‌های استاندارد شده: توسط مؤسسات آزمون‌سازی طراحی می‌شود تا دوره‌های تحصیلی گروه‌های بزرگ دانش‌آموزان را ارزیابی کند. این آزمون‌ها همراه با راهنمای دقیق ارائه می‌شوند و دارای پایایی و اعتبار هستند.

آزمون‌های طرح شده توسط معلم: معمولاً برای تعیین میزان موفقیت دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف آموزشی طراحی می‌شوند. تفاوت بین آزمون‌های استاندارد شده و آزمون‌های معلم نتایج: نتایج آزمون‌های استاندارد مشخص، قطعی و قابل بررسی است.

استفاده و مقایسه: این آزمون‌ها برای استفاده در مناطق مختلف و مقایسه دانش‌آموزان مدارس مختلف با یکدیگر طراحی. انواع آزمون‌های معلم‌ساخته: این آزمون‌ها معمولاً به دو صورت عینی و انشایی هستند:

آزمون‌های عینی: ۱. پرسش‌های چندگزینه‌ای ۲. پرسش‌های صحیح و غلط ۳. پرسش‌های جورکردنی ۴. پرسش‌های کامل کردنی ۵. پرسش‌های کوتاه پاسخ.

آزمون‌های انشایی (تشریحی): که برای ارزشیابی سطوح بالای شناختی مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و قضاوت مهم است. محدودیت‌ها: دخالت نظر تصحیح‌کننده، وقت‌گیر بودن تصحیح، و عدم امکان سنجش سرعت انتقال و آمادگی ذهنی دانش‌آموزان.

#### موضوع علم بیان

علم بیان علمی است که به بیان یک معنی واحد به روش‌های مختلف و ترکیبات گوناگون می‌پردازد. این علم در ادبیات و شعر به کار می‌رود و از مفاهیم حقیقت، مجاز، تشبیه، استعاره، و کنایه تشکیل شده است. شاعران با استفاده از این مفاهیم، تصاویر شاعرانه خلق می‌کنند که در ذهن مخاطب تجسم می‌شود. و این موضوع در شعرهای شاعران مانند نادر نادرپور که غروب خورشید را به عنوان «طیاره طلایی» توصیف می‌کند، مشهود است.

## تعریف علم بیان:

علم بیان به بیان یک معنی واحد به طرق مختلف اشاره دارد، اما این تفاوت باید بر اساس تخیل و خیال‌انگیزی باشد. به عنوان مثال، اگر بگوییم «چهره او مثل ماه است» یا «چهره او مثل گل است»، هر دو به زیبایی اشاره می‌کنند، اما از نظر تخیل و تصویرسازی متفاوت هستند. همچنین، اگر به جای «او بخشنده است» بگوییم «او گشاده دست است» یا «او مثل ابر است»، این عبارات از نظر تصویر آفرینی با هم متفاوتند. در این موارد، معمولاً قرینه‌ای استفاده می‌شود تا مقصود فهمیده شود.

## فایده علم بیان:

به ما می‌آموزد که چگونه یک مفهوم واحد را به روش‌های مختلف بیان کنیم و از ابزارهای مختلف برای نقاشی در زبان استفاده کنیم. این علم راه ورود به دنیای ادبیات است و به ما کمک می‌کند تا مراد شاعران را از واژه‌ها و عباراتی که در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند، درک کنیم.

## قرینه

در علم بیان به نشانه یا سرنخی گفته می‌شود که شاعران برای فهمیدن مقصود به کار می‌برند. قرینه به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم می‌شود:

- قرینه لفظی: لفظی است که دلالت می‌کند بر اینکه واژه‌ای در معنای دیگری به کار رفته است. مثال: «عقاب آهنین» که لفظ «آهنین» نشان می‌دهد که «عقاب» در معنای هواپیما به کار رفته است.
- قرینه معنوی: شرایط و اوضاعی است که به حکم عقل خواننده را به معنای ثانوی راهنمون می‌کند. مثال: گفتن «چه رفیق خوبی!» در حالی که مقصود رفیق بد است.

## مجاز

در ادبیات، استفاده از واژه‌ها و جملات در معنای غیر اصلی آنها به «مجاز» معروف است. برای استفاده از مجاز، دو شرط وجود دارد: اولاً باید قرینه‌ای وجود داشته باشد تا مقصود فهمیده شود، و ثانیاً باید بین معنای اصلی و ثانوی رابطه‌ای وجود داشته باشد.

علاقه‌های مجاز به چند نوع تقسیم می‌شوند، از جمله:

۱. علاقه کلیت و جزئیت: در این نوع مجاز، کل را به جای جزء یا جزء را به جای کل به کار می‌برند.
  - ذکر کل و اراده جزء: مثال: «سرم را تراشیده‌ام» که مراد موی سر است.
  - ذکر جزء و اراده کل: مثال: «الحمد» را به جای کل سوره فاتحه استفاده می‌کنند. در این حالت، جزء مهم‌تر کل را نمایندگی می‌کند، مانند نگین که به جای انگشتری استفاده می‌شود.

۲. علاقه حال و محل یا ظرف و مظروف:

- ذکر محل و اراده حال: مثال: "الجزائر هفت سال جنگید" به معنای "مردم الجزائر".
- ذکر حال و اراده محل: مثال: "فلانی را چایی به دست دیدم" به معنای "فنجان چای".
- ۳. علاقه لازمیت و ملزومیت: استفاده از یک مفهوم به جای مفهوم دیگر که با آن مرتبط است. مثال: "آتش مرا گرم کرد" به معنای "حرارت آتش".
- ۴. علاقه سببیت یا علت و معلولی:
  - ذکر سبب و اراده مسبب: مثال: "او قلم خوبی دارد" به معنای "نوشته خوبی دارد".
  - ذکر معلول و اراده مسبب: مثال: "آب را ببند!" به معنای "شیر آب را ببند".
- این روابط معنایی به ما کمک می‌کند تا با استفاده از کلمات و مفاهیم مختلف، معانی پیچیده‌تری را انتقال دهیم.
- ۵. علاقه مجاورت: استفاده از یک واژه به جای واژه دیگر به دلیل مجاورت آنها. مثال:
  - اطلاق "عرب" به ایرانی در برخی جوامع غربی.
  - استفاده از "صبح" به جای "خورشید" در شعر ناصر خسرو.
- ۶. علاقه شباهت: استفاده از یک واژه به جای واژه دیگر به دلیل شباهت آنها. این نوع مجاز به عنوان استعاره شناخته می‌شود و در ادبیات بسیار مهم است. مثال:
  - استفاده از "ترگس" به جای "چشم".
  - استفاده از "گل زرد" به جای "خورشید".
- تشبیه: تعاریف و کلیات
- تشبیه در علم بیان به معنای شبیه‌سازی دو چیز است که این شباهت مبتنی بر کذب یا دروغ‌نما باشد و اغراق داشته باشد. به این معنی که دو چیز در واقع شبیه هم نیستند، اما ما ادعا می‌کنیم که شبیه هستند. اگر شباهت واقعی باشد، مانند "سگ مانند شغال است"، آن را تشبیه نمی‌نامند. تشبیه باید اعجاب‌برانگیز باشد و به ظاهر درست نیاید.
- شادمان گشت و دورخساره چون گل بفروخت  
زیر لب گفت که احسنت و زه ای بنده نواز!
- جمله تشبیهی: دورخساره چون گل را برافروخت.
- مشبه: رخساره، مشبه به: گل، ادات تشبیه: چون، وجه شبه: برافروختگی (سرخ).
- ساختار و انواع تشبیه در علم بیان: تشبیه مجمل و مفصل: اگر وجه شبه ذکر نشود، تشبیه مجمل است. اگر وجه شبه ذکر شود، تشبیه مفصل است. در تشبیه‌های نو، وجه شبه معمولاً ذکر می‌شود تا کلام فهمیده شود.
- تشبیه با و بدون ادات: اگر ادات تشبیه مانند "مانند" یا "چون" ذکر شود، تشبیه مرسل یا صریح است. اگر ادات حذف شود، تشبیه محذوف الادات یا مؤکد نامیده می‌شود.
- تشبیه بلیغ: اگر هم وجه شبه و هم ادات تشبیه حذف شوند، تشبیه بلیغ است. در هر صورت، دورکن اساسی تشبیه، مشبه و مشبه به هستند که هرگز حذف نمی‌شوند.

مشبه به باید اعراف و اجلی باشد: یعنی وجه ماندگی در مشبه به باید قوی‌تر و آشکارتر از مشبه باشد. به عنوان مثال، "چراغ مثل خورشید" نیست، بلکه "خورشید مثل چراغ" نیست، زیرا درخشش در خورشید قوی‌تر است.

تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن

مشبه و مشبه به هر دو مرکب هستند. به این معنی که هر دو شامل چند عنصر هستند و وجه شبه نیز مرکب است. مثال آن در شعر منوچهری است که در آن "قرص خورشید" (در حال طلوع از البرز و سرخ رنگ بودن) به "زدی که سرش خونین است و از کمینگاه بیرون می‌آید" تشبیه شده است. در این تشبیه، هر دو طرف تصویر کاملی از چند عنصر تشکیل شده‌اند و وجه شبه نیز چندگانه است (مانند سرخی، اندک اندک پدیدار شدن). در تشبیه مرکب، نمی‌توان طرفین را به صورت جداگانه در نظر گرفت، زیرا وجه شبه کامل نخواهد بود.

فرق مقید و مرکب:

- مقید: یک چیز است که با توضیحات همراه است. مثال: "زندگی در آن وقت".
  - مرکب: چند چیز است که با هم یک تصویر را تشکیل می‌دهند. مثال: "صفی از نور و عروسک".
- وجه شبه:

- وجه شبه مفرد: یک مطلب است، مانند سرخی در تشبیه گل به آتش.
  - وجه شبه مرکب: از چند مطلب تشکیل شده است، مانند حرکت جسمی روشن در تاریکی.
- اضافه تشبیهی:

- تشبیهی که در آن مشبه و مشبه به به هم اضافه شده‌اند و ادات و وجه تشبیه حذف شده‌اند. به آن تشبیه بلیغ می‌گویند.
- دو نوع اضافه تشبیهی وجود دارد:
  - اضافه مشبه به مشبه به: مانند "لب لعل".
  - اضافه مشبه به به مشبه: مانند "لعل لب".
- تشبیه بلیغ می‌تواند به صورت غیراضافه نیز باشد که در آن اغراق به اوج می‌رسد.

استعاره

استعاره در زبان ادبیات به معنای استفاده از یک کلمه به جای کلمه دیگر بر اساس شباهت است. این مفهوم از تشبیه گرفته شده است، اما در استعاره، مشبه به بدون استفاده از ادات تشبیهی و وجه شبه به کار می‌رود. به عنوان مثال، اگر بگوییم "سروی را دیدم که می‌خرامید"، "سرو" به معنای قد بلند است. استعاره در واقع تشبیه فشرده است که در آن ادعای یکسانی و این همانی وجود دارد.

قرینه: برای فهم درست استعاره، نیاز به قرینه در جمله است تا مشخص شود که کلمه به معنای اصلی خود استفاده نشده است. مانند "شیری را در جبهه دیدم" که "جبهه" قرینه است تا نشان دهد که "شیر" به معنای شجاعت به کار رفته است. استعاره به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. استعاره مصرحه: این نوع استعاره، تشبیهی است که فقط مشبه به باقی می‌ماند. مانند استفاده از "لعل" به جای "لب".  
این استعاره نیاز به قرینه دارد تا معنای ثانوی آن فهمیده شود.

۲. استعاره مکنیه یا بالکنایه: در این نوع، مشبه ذکر می‌شود و سپس یکی از ملائمت مشبه به برای انتقال تخیل به کار می‌رود. این استعاره به دو صورت اضافه استعاری (مانند "رخسار صبح") و غیراضافی (مانند "زمانه نقش برآوردن") وجود دارد.

استعاره نوع دوم به دو شکل ظاهر می‌شود:

۱. به صورت اضافه (اضافه استعاری): در این شکل، کلمات به صورت ترکیب‌های اضافه‌ای مانند "رخسار صبح"، "چنگال مرگ"، یا "عزم تیزگام" استفاده می‌شوند. این ترکیب‌ها از ابزار تخیل و تصویرگری استفاده می‌کنند.

۲. به صورت غیراضافی: در این شکل، مشبه به یک عمل یا صفت تخیلی نسبت داده می‌شود. مانند "زمانه هزار نقش برآرد" که در آن زمانه به یک نقاش یا بازیگری تشبیه شده است.

همچنین، نوع دیگری از اضافه وجود دارد که به آن "اضافه اقترانی" می‌گویند و بیشتر در حوزه زبان است و نه تخیل، مانند "گوش هوش" یا "دست ارادت".

سمبل یا نماد، مانند استعاره، مشبه به و مشبه را در بر می‌گیرد، اما با دو تفاوت:

۱. دلالت چندگانه: سمبل به یک معنی خاص دلالت نمی‌کند، بلکه می‌تواند چندین معنی نزدیک به هم داشته باشد. مانند زندان که می‌تواند به تن، دنیا، یا امیال نفسانی اشاره کند.

۲. قرینه معنوی: در استعاره، قرینه صریح وجود دارد تا معنای ثانوی را مشخص کند، اما سمبل معنای خود را نیز حفظ می‌کند و قرینه آن معنوی و مبهم است. مانند "آیین" که هم به معنای خود و هم به عنوان نماد خاطرات و ذهن فهمیده می‌شود.

تمثیل

تمثیل: تمثیل بر اساس ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به است. گاهی هر دو ذکر می‌شوند و از آن یک مفهوم کلی‌تر استنباط می‌شود. مانند مثال قرآن که کسانی را که تورات را حمل می‌کنند اما نمی‌فهمند، به خری تشبیه می‌کند که کتاب حمل می‌کند.

• فابل: معروف‌ترین نوع تمثیل، تمثیل حیوانی است که در آن جانوران نماینده تیپ‌ها یا طبقات هستند. مانند کلیله و دمنه که شیر نماینده شاهان است.

• کنایه: کنایه عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نیست. این دریافت از طریق انتقال از لازم به ملزوم یا برعکس صورت می‌گیرد. مانند جمله "خانه‌اش همیشه باز است" که به معنای مهمان نواز بودن است. در این مثال، "باز بودن خانه" مکنی به و "مهمان نواز بودن" مکنی عنه است.

انواع کنایه

- کنایه از موصوف (اسم): در این نوع، وصف اسمی استفاده می‌شود تا به یک اسم دیگر اشاره شود. مانند "بیت الرب" که به معنای دل است یا "آزاده تهی دست" که به درخت سرو اشاره دارد.
  - کنایه از صفت: در این نوع، یک صفت به کار می‌رود تا به یک صفت دیگر اشاره شود. مانند "بی نمک" که به بی مزه اشاره دارد یا "سیاه کاسه" که به کثیف و بخیل اشاره دارد.
  - کنایه از فعل یا مصدر: در این نوع رایج‌ترین، یک فعل یا مصدر به کار می‌رود تا به یک فعل یا مصدر دیگر اشاره شود. مانند "دست کفچه کردن" که به گدایی کردن اشاره دارد یا "به صحرا افکندن" که به آشکار کردن اشاره دارد.
- فرق کنایه با استعاره:

۱. استعاره مرکب: این نوع استعاره مجاز است و قرینه صارفه دارد تا نشان دهد که کلام در معنای اصلی خود استفاده نشده است. مثال‌هایی مانند "آب در هاون کوبیدن" یا "تکیه بر آب زدن" هستند که به دلیل قرینه صارفه، معنای ثانوی را می‌رسانند.

۲. کنایه: کنایه همیشه به صورت عبارت یا جمله است و قرینه صریح برای معنای ثانوی ندارد. مانند جمله "خانه‌اش همیشه باز است" که ممکن است به معنای واقعی باشد یا به معنای مهمان نواز بودن. در کنایه‌ها، قرائن معنوی می‌توانند به معنای ثانوی اشاره کنند، اما قرائن صریح وجود ندارد. (ص ۷۱ کتاب)

بدیع:

- تعریف بدیع: بدیع به مطالعه ابزارها و فنونی می‌پردازد که موسیقی کلام را در نثر یا شعر ایجاد یا تقویت می‌کنند. این ابزارها باعث ایجاد تناسبات و روابط خاص بین اجزای کلام می‌شوند و کلام را منسجم و ادبی می‌کنند.
- موسیقی کلام: مثال‌هایی از موسیقی کلام در شعر و نثر وجود دارد، مانند سجع در شعر سعدی یا ترادف صامت در شعر حافظ که موسیقی کلام را افزایش می‌دهند.
- تعریف صنعت: صنعت به ابزارهایی گفته می‌شود که موسیقی کلام را ایجاد یا تقویت می‌کنند و روابط هنری بین اجزای کلام برقرار می‌کنند. این ابزارها ممکن است جنبه لفظی داشته باشند (مانند سجع) یا جنبه معنایی داشته باشند (مانند تقابل معنایی).
- بدیع لفظی و معنوی: بدیع لفظی به ابزارهایی می‌پردازد که موسیقی لفظی کلام را ایجاد یا تقویت می‌کنند، در حالی که بدیع معنوی به ابزارهایی می‌پردازد که موسیقی معنایی کلام را به وجود می‌آورند.

آشنایی با چند اصطلاح

۱. صامت و مصوت: در زبان فارسی، شش مصوت وجود دارد (o, e, a, u, i, ā) که به کمک آنها صداهای زبان ادا می‌شود. صامت‌ها به کمک مصوت‌ها به صدا درمی‌آیند.
۲. آوانویسی: آوانویسی با استفاده از الفبای لاتین انجام می‌شود تا همه اصوات زبان را به دقت نشان دهد. این روش به صورت مکتوب واژه‌ها توجه ندارد و فقط بر اساس مسموعات است.

۳. واج: هر یک از صداهای زبان اعم از صامت یا مصوت را یک واج می‌نامند.

۴. هجا: هجا مجموعه‌ای از اصوات است که در یک دم یا بازدم ادا می‌شود. در زبان فارسی، شش نوع هجا وجود دارد که بر اساس ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها متفاوت هستند.

سجع: به معنی آهنگ و هماهنگی بین کلمات است. سجع بر سه نوع است:

۱. سجع در کلمه

• سجع متوازی: این نوع سجع شامل کلمات یک هجایی است که فقط در صامت نخستین متفاوت هستند. اگر کلمه چند هجایی باشد، هجاها باید از نظر امتداد مساوی باشند و صامت نخستین متفاوت باشد. مثال: مست / بست / است / دست

• سجع مطّرف: در این نوع، یکی از کلمات هجایی بیشتر در آغاز دارد و صامت نخستین هجای قافیه متفاوت است. مثال: خوردن / ستردن / جواز / راز / شکار / دار

• سجع متوازن: این نوع شامل کلمات هم هجایی است که تعداد امتداد هجاها مساوی است و واک‌های اصلی آخر کلمه متفاوت هستند. مثال: راز / نظم / کار / کام / نقاد / موج  
هر چه واک‌های مشترک بیشتر باشند، سجع متوازن موسیقایی‌تر است.  
متن درباره انواع سجع و ساختار آن است:

۲. ساختار انواع سجع:

• سجع متوازی: وزن یکسان و روی (صامت نخستین) یکی است.

• سجع متوازن: وزن یکسان و روی مختلف است.

• سجع مطّرف: وزن مختلف و روی یکی است.

۳. سجع در کلام:

• ترصیع: هماهنگی بین جملات با استفاده از سجع متوازی. مثال: "زبانش توان ستایش نداشت روانش گمان نیایش نداشت"

• موزانة: هماهنگی بین جملات با استفاده از سجع متوازن یا ترکیبی از متوازن و متوازی. مثال: "ستاننده شهر مازندران گشاینده بند هاماوران"

جناس

تجنیس: این روش بر اساس نزدیکی واک‌های کلمات است تا شباهت آنها به ذهن متبادر شود. به مصادیق تجنیس، جناس گفته می‌شود.

• انواع جناس:

الف ( جناس تام (همسان): کلمات از نظر واج یکی هستند اما معنی آنها متفاوت است. مثال: "گور" به معنی گورخر و قبر.

ب) جناس ناهمسان: ۱. اختلاف در صامت: مانند "گام" و "کام". ۲. اختلاف در مصوت کوتاه: مانند "خلق" و "خُلق".

ج) جناس زائد (یا افزایشی): یکی از کلمات واجی در آغاز، وسط یا آخر اضافه دارد. مثال:

در آغاز: "کوه" و "شکوه". در وسط: "سپر" و "سر".

تکرار

تکرار در نظام بدیع لفظی است که موسیقی کلام را ایجاد یا تقویت می‌کند. این روش در سطح کلام بررسی می‌شود و به چند نوع تقسیم می‌شود:

۱. تکرار واج:

• هم حروفی: تکرار یک صامت در آغاز کلمات، مانند "سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند" حافظ.

• هم صدایی: تکرار مصوت در کلمات، مانند "یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد" حافظ.

۲. تکرار هجا: مانند تکرار "ها" در "فکرها و حرف ها و صداها".

۳. تکرار واژه: مانند "عصا بر گرفتن نه معجز بود همی اژدها کرد باید عصا" یا "دندانه هر قصری پندی دهدت نونو پندسر دندانه بشنو زین دندان".

۴. تکرار عبارت یا جمله: مانند ترجیع بند یا ردالمطلع که در آن یک مصراع در جای دیگر شعر تکرار می‌شود.

عروض

اهمیت عروض: عروض برای کسانی که در ادبیات تخصص می‌خواهند، ضروری است. این علم به ساختار درونی موسیقایی شعر و چگونگی خواندن درست آن کمک می‌کند. تعریف عروض: عروض علمی است که به بحث درباره وزن شعر می‌پردازد. موضوعات آن شامل چگونگی ایجاد وزن، انواع وزن، صحت و سقم آن، و شگردهای خاص کلام منظوم است. تعریف وزن: وزن به نظم و تناسبی خاص در اصوات شعر (هجاءها) اشاره دارد که نوعی آهنگ و موسیقی را ایجاد می‌کند. این نظم و تناسب در بین ملل مختلف متفاوت است.

وزن شعر فارسی:

وزن شعر فارسی بر اساس توالی‌های خاصی از هجاهای کوتاه و بلند در یک مصراع و تکرار آن در مصراع‌های دیگر استوار است. این وزن مجموعه‌ای از هجاهای کوتاه و بلند است که با نظم مشخصی قرار گرفته‌اند.

مصوت‌ها و صامت‌ها: در زبان فارسی، شش مصوت وجود دارد (o, e, a, u, i, ā) و بقیه اصوات را صامت می‌نامند.

هجا یا سیلاب یا بخش: هجا در فارسی شامل یک مصوت و یک یا دو یا سه صامت است. تعداد هجاهای در یک کلمه برابر با تعداد مصوت‌های آن است. در عروض فارسی، فقط سه نوع هجا به کار می‌رود که به آنها هجاهای عروضی می‌گویند.

املای عروضی یا آوا نویسی:

این روش برای نوشتن کلمات به شکلی است که بتوان مقطع اصوات یا هجاهای را به آسانی تشخیص داد. این نگارش بر اساس اصوات ملفوظ است، نه مکتوب.

نکات در باب املائی عروضی: حروف ملفوظ: در کلمات مانند "خواهر" و "دار"، واو معدوله نادیده گرفته می‌شود. مصوت بلند: دوبار نوشته می‌شود تا نشان دهد که هجای بلند است. همزه: در فارسی به عنوان صامت در نظر گرفته می‌شود. نون: اگر بعد از نون سکون یا مکث باشد، مصوت قبل از آن کوتاه تلفظ می‌شود.

فایده املائی عروضی: این روش کمک می‌کند تا در تعیین بلند یا کوتاه بودن هجاها تردیدی نباشد. اگر هجا سه واک داشته باشد، بلند است و اگر دو واک داشته باشد، کوتاه است.

استفاده از خط فارسی: می‌توان از خط فارسی برای املائی عروضی استفاده کرد، اما باید حرکات (مصوت کوتاه) را نیز در خط منعکس کرد.

### تقطیع

به معنای قطعه قطعه کردن است. در اصطلاح عروض، تقطیع به معنای تقسیم شعر به هجاهای کوتاه و بلند است. مثال تقطیع: مصراع "پری رویی، پری بگذار، ماهی به زیر مقنعه صاحب کلاهی" از شعر نظامی را می‌توان به هجاهای کوتاه و بلند تقسیم کرد. برای مثال، "پَری رویی پَری بگَذار، ماهی به زیر مقنعه صاحب کلاهی" نشان‌دهنده تقسیم هجاها است.

بخش کردن یا تقسیم به هجا:

تقطیع هجایی: در تقطیع شعر، کل کلمات مصراع در رابطه با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود، نه تک تک کلمات به صورت مجرد. مثال: "خوش آمد گل وزان خوشتر نباشد" به صورت "خ شَا مَد گُل و زان خَش تَر نَ بَاشَد" تقطیع می‌شود.

حذف همزه: در تقطیع، همزه معمولاً حذف می‌شود تا صامت پیش از آن به مصوت بعد از آن بچسبد.

ارکان: پس از تقطیع هجایی، به جای هر چند هجا یک رکن قرار می‌دهیم. این عمل را رکن‌بندی می‌نامند. ارکان بر اساس قراردادهای خاصی مانند "فاعل" یا "مفعولن" نام‌گذاری می‌شوند.



صحیح نیست، ۱۱. قلب: در برخی اوزان، می‌توان مفاعیل را به مفتعلن یا بالعکس تبدیل کرد، ۱۲. در اوزان دوری، این اختیارات در وسط مصراع نیز اعمال می‌شود. ۱۳. تسکین معمولاً در هجای ماقبل آخر انجام می‌شود و محسوس نیست، اما در جای دیگر محسوس است.

پ) ضرورت (اختیارات زبانی)

۱۳. ضرورت‌های وزن: تغییر کمیت مصوت‌ها به دلیل ضرورت وزن شعر انجام می‌شود. این تغییرات برای دستیابی به تقطیع درست ضروری است، ۱۴. انواع تغییرات شامل: بلند شدن مصوت کوتاه: در آخر کلمه، مصوت کوتاه ممکن است به بلند تبدیل شود تا وزن شعر حفظ شود، کوتاه شدن مصوت بلند: گاهی مصوت بلند به کوتاه تبدیل می‌شود، به ویژه اگر پیش از مصوت دیگر قرار گیرد، اضافه شدن صامت میانجی: برای سهولت تلفظ، ممکن است بین دو مصوت، یک صامت میانجی اضافه شود.

حذف همزه

۱۴. همزه معمولاً حذف می‌شود، اما گاهی به ضرورت حذف نمی‌شود. این موضوع در تلفظ برخی کلمات مهم است، ۱۵. تلفظ واو عطف: واو عطف ممکن است به ضرورت بلند یا کوتاه تلفظ شود، بسته به موقعیت در مصراع.

وزن شعر نو

وزن شعر نیمایی: بر اساس عروض است، اما مصراع‌ها کوتاه و بلند هستند و تعداد هجاها یا ارکان در مصراع‌ها معمولاً مساوی نیست، سابقه تاریخی: کوتاهی و بلندی مصاربع در ادبیات فارسی سابقه دارد و در اشعار مستزاد نیز دیده می‌شود و شعر نیمایی شگردها و ریزه‌کاری‌های خاص خود را دارد که آن را از اشعار سنتی متمایز می‌کند. (ص ۱۰۰ کتاب)

## بخش ۲ بررسی درس‌ها

### فصل اول (دروس اول تا سوم)

درس یک تاریخ ادبیات فارسی در قرن ۷ و ۸ و ۹

دانش افزایی

حمله مغول و پیامدهای ادبی - فرهنگی آن:

تأثیرات منفی: شامل انحطاط تمدن ایرانی و بی‌توجهی حاکمان مغول به فاضلان، رواج مفاصد اجتماعی مانند دروغ، تزویر، و دزدی و ویرانی مراکز علمی و نابودی کتابخانه‌ها.

پاسخ ادبی: شاعران مانند سیف الدین فرغانی، خواجوی کرمانی، اوحدی مراغه‌ای، و نظام الدین زاکانی با انتقاد از اوضاع اجتماعی، آثار خود را به صورت اندرز و هجو بیان کردند.

حفظ فرهنگ ایرانی: برخی نواحی ایران مانند فارس و آسیای صغیر به عنوان پناهگاه فرهنگ ایرانی عمل کردند، ایجاد مراکز علمی و ادبی در شیراز، مراغه، تبریز، سلطانیه، کرمان، بغداد، و دیگر مناطق و حوزه‌های علمی شیعه در شهرهای مختلف به حفظ سنت‌های علمی و ادبی ایران کمک کردند. (ص ۱۰۵ و ۱۰۶ کتاب)

#### سبک عراقی

تغییر و تحول سبک شعر در دوره‌های مختلف: در دوره سلجوقی اکثر شاعران بزرگ قرن ششم به سبکی بینابین بین خراسانی و عراقی شعر می‌گفتند. شاعران مانند انوری و ظهیر در قصیده به سبک خراسانی و در غزل به سبک عراقی گرایش داشتند، غزل در این دوره به توسعه و تکامل رسید و از اسلوب تغزل فاصله گرفت.

سبک آذربایجانی (اژانی): این سبک در شمال غربی ایران رواج داشت و شاعران معروف آن مانند خاقانی و نظامی بودند، زبان بنیادی این سبک خراسانی بود، اما از نظر فکر و مختصات ادبی تحول قابل توجهی داشت.

سبک عراقی: این سبک از سده هفتم تا نهم هجری ادامه داشت و در اصفهان و نواحی مرکزی ایران رواج داشت، سبک عراقی به تدریج جایگزین سبک خراسانی شد و غزل در آن به اوج رسید. (ص ۱۰۷ کتاب)

#### چهره های ادبی قرن هفتم

#### مولوی

ایران از دیرباز مهد تفکرات عرفانی بوده است و مولانا جلال‌الدین محمد بلخی یکی از بزرگترین چهره‌های عرفانی است. او در سال ۶۰۴ ه.ق در بلخ به دنیا آمد. پدرش بهاء‌الدین ولد، از بزرگان صوفیه بود که به دلیل اختلاف با سلطان محمد خوارزمشاه، از بلخ کوچ کرد و به قونیه رسید. پس از وفات پدر، مولانا به جای او به تدریس پرداخت و تحت تعلیمات سید برهان‌الدین قرار گرفت. او نه سال با سید همنشین بود تا اینکه سید درگذشت. مولانا سپس تحت تأثیر شمس تبریزی قرار گرفت و به شعر و عرفان روی آورد. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در آستانه چهل سالگی، عارف و دانشمند بود و مردم از وجود او بهره می‌بردند. در سال ۶۴۲ ه.ق، شمس تبریزی به قونیه آمد و زندگی مولانا را دگرگون کرد. پیوستن شمس به مولانا، او را از یک مفتی به یک عارف تبدیل کرد. اما حسادت مریدان باعث شد که شمس در سال ۶۴۳ ه.ق قونیه را ترک کند. پس از ناپدید شدن شمس، مولانا تحت تأثیر صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی قرار گرفت و مثنوی را سرود. او در سال ۶۷۲ ه.ق در قونیه درگذشت.

وصیت‌نامه مولانا: او مردم را به ترس از خدا، نماز، فرونشاندن هواهای نفسانی، شکیبایی در برابر بدی‌ها، دوری از نابخردان و همنشینی با نیکان سفارش می‌کند. او می‌گوید بهترین مردم کسی است که برای دیگران مفید باشد و مهم‌ترین گفتار، گفتار کوتاه و گزیده است.

آثار مولانا: مولانا زندگی خود را در راه کسب معرفت و تکمیل نفس گذراند. آثار او به دو بخش نظم و نثر تقسیم می‌شود منظوم: شامل غزلیات (دیوان شمس)، رباعیات، و مثنوی معنوی است و منثور: شامل فیه ما فیه و مکاتیب است.

سعدی

سعدی شیرازی، مشهور به شیخ اجل، در حدود سال ۶۰۶ ه.ق در شیراز به دنیا آمد. او در کودکی پدرش را از دست داد و در شیراز و بغداد به تحصیل پرداخت. سعدی به شام، حجاز و شمال آفریقا سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، آثار ماندگاری چون «بوستان» در سال ۶۵۵ ه.ق و «گلستان» در سال ۶۵۶ ه.ق را خلق کرد. او علاوه بر این آثار، قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات و مقالات بسیاری سروده است که در «کلیات سعدی» جمع‌آوری شده‌اند. سعدی در شیراز درگذشت و آرامگاه او در همان شهر قرار دارد.

فخرالدین عراقی

فخرالدین عراقی از بزرگان تصوف و شاعران برجسته قرن هفتم هجری است. او دیوانی دارد که شامل حدود پنج هزار بیت شعر است و به اهتمام سعید نفیسی چاپ شده است. اثر دیگر «عشاق‌نامه» یا «ده‌نامه» است که به مباحث عرفانی می‌پردازد. همچنین، کتاب «لمعات» او از مهم‌ترین آثار عرفانی است که چندین بار شرح شده است. او در شعر و نثر عرفانی بسیار تأثیرگذار بوده و از مکتب ابن عربی متأثر بود.

نجم‌الدین رازی

نجم‌الدین رازی نیز از صوفیان مشهور این دوره است که در نثر بسیار توانمند بود. مهم‌ترین اثر او «مرصاد العباد» است که به سلوک دین و تربیت نفس می‌پردازد. این کتاب بین سال‌های ۶۱۸ تا ۶۲۰ نوشته شده است.

عطاملک جوینی

عطاملک جوینی پس از سقوط بغداد در سال ۶۵۷ ه.ق به عنوان حاکم بغداد، عراق و خوزستان منصوب شد و بیست و چهار سال در این سمت باقی ماند. در دوره حکومت او، بغداد آبادتر از دوره خلافت عباسی شد. مهم‌ترین اثر او «تاریخ جهانگشا» است که به ظهور چنگیز، فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حاکمان مغولی ایران می‌پردازد. نثر او در این کتاب ترکیبی از پیچیدگی و سادگی است و از آیات، احادیث و شعرهای عربی و فارسی استفاده کرده است. عطاملک در سال ۶۸۱ ه.ق درگذشت.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

در حدود سال ۶۴۸ ه.ق به دنیا آمد و از بزرگترین مردان تاریخ ایران است. او نه تنها وزیری مدبر بود، بلکه مورخ و دانشمندی گرانمایه بود. او در بسیاری از مناطق ایران و مملکت ایلخانی، مدرسه‌ها، مساجد، و کتابخانه‌ها احداث کرد که از جمله آنها ربع رشیدی است. این مجموعه شامل مسجد، مدرسه، خانقاه، بیمارستان و کتابخانه بود که محل فعالیت عالمان و صوفیان بود. اثر معروف او «جامع التواریخ» است که به نثر ساده و محکم نوشته شده است.

شمس قیس رازی

از نویسندگان نامدار سده هفتم هجری است. اثر ارزشمند او «المعجم فی معاییر اشعار العجم» است که در دو بخش عروض و قافیه و نقد شعر نوشته شده است. نثر این کتاب، به ویژه در مقدمه، مصنوع و پر از امثال و اصطلاحات عربی است. این کتاب تا به امروز اهمیت خود را حفظ کرده است.

### چهره های ادبی قرن هشتم

#### خواجوی کرمانی

او عارف بزرگ و شاعر استاد ایران در قرن هشتم است. لقب های او «خلاق المعانی» و «نخلبند شعرا» است. خواجوی کرمانی بر حافظ شیرازی تأثیر گذاشت و در دیوان حافظ، ابیات بسیاری به تقلید از او یافت می شود. از مثنوی های او می توان به «سام نامه»، «همای و همایون»، «گل و نوروز»، «روضه الانوار»، «کمال نامه» و «گوهرنامه» اشاره کرد.

#### ابن یمین

او از شاعران شیعه عصر سربداران است. ابن یمین به ستایش شاهان و امرای سربداران می پرداخت و اشعار اخلاقی و اندرزی سروده است. دیوان او شامل قصاید در مدح امامان شیعه و غزل های عاشقانه است. مضامین او عمدتاً از حکمت عملی الهام گرفته و به صورت تشبیهات و تمثیلات بدیع ارائه می شود.

#### حافظ

حافظ شیرازی، ملقب به لسان الغیب، در حدود سال ۷۲۶ ه.ق در شیراز به دنیا آمد. او از جوانی به تحصیل علوم قرآنی، قرائت، تفسیر، کلام، فلسفه و عرفان پرداخت و شگرد شاعری خود را از قرآن آموخت. حافظ تحت تأثیر شاعران مانند سعدی، کمال اصفهانی، سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی بود. او غزل هایش را با تلفیق عشق و عرفان سرود و لحن او تلخ و گزنده بود. دوران حکومت امیر مبارزالدین محمد، زندگی او را تلخ کرد و باعث سرودن غزل های نیش دار شد.

#### سلمان ساوجی

از شاعران قرن هشتم است که در قصیده سرایی توانمند بود. او در همه انواع شعر استاد بود و دو مثنوی «فراق نامه» و «جمشید و خورشید» از او باقی مانده است. زبان او در قصایدش فصیح و رسا بود و به سبک شاعران قرن ششم و آغاز قرن هفتم گرایش داشت.

#### عبید زاکانی

شاعر و طنزپرداز قرن هشتم است که در قزوین به دنیا آمد. او به عنوان پدر طنز فارسی شناخته می شود و آثارش عمدتاً طنزآمیز هستند. از مشهورترین آثار او می توان به «موش و گربه» در نظم و «اخلاق الاشراف»، «صدپند»، «رساله دلگشا» و «رساله تعریفات» در نثر اشاره کرد. اگرچه او اشعار جدی نیز دارد، اما شهرت اصلی او به دلیل طنزهایش است.

#### حمدالله مستوفی

مورخ و جغرافی‌دان معروف است که از نژاد عرب بود، اما خانواده‌اش در قزوین زندگی می‌کردند. از آثار او می‌توان به «تاریخ گزیده»، «ظفرنامه» و «نزه‌القلوب» اشاره کرد.

### چهره های ادبی قرن نهم

عبدالرحمن جامی

نورالدین عبدالرحمن جامی، مشهورترین شاعر قرن نهم، در سال ۸۱۷ ه.ق در خرجرد جام به دنیا آمد و در هرات به تحصیل پرداخت. او به حکمت روی آورد و در طول حیات خود به مرتبه معنوی بالایی دست یافت. جامی در سال ۸۹۸ ه.ق در هرات درگذشت. از آثار او می‌توان به مثنوی‌های «سلسله الذهب»، «سلامان و ابدال»، «تحفه الاحرار»، «سبحه الابرار»، «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و «خردنامه اسکندری» و نثرهای «بهارستان»، «نفحات الانس»، «لوايح» و «اشعه اللمعات» اشاره کرد.

شاه نعمت الله ولی

از شاعران و مشایخ بزرگ متصوفه در عصر تیموری است. دیوان او شامل چهارده هزار بیت غزل، مثنوی و رباعی است و رسالاتی در عرفان دارد. دیوان او بهترین اثر اوست و در ماهان کرمان خانقاهی در جوار مقبره‌اش وجود دارد. دولتشاه سمرقندی

از امیرزادگان قرن نهم است که در هرات زندگی می‌کرد. کتاب معروف او «تذکره الشعرا» است که در سال ۸۹۲ ه.ق تألیف شده و شرح حال ۱۰۵ تن از شاعران فارسی‌زبان را دربردارد.

جلال‌الدین دوانی

دانشمند و قاضی معروف قرن نهم است. او حکیمی متکلم و محقق بود و آثارش شامل «اخلاق جلالی»، «اثبات الواجب الجدید» و «اثبات الواجب القدیم» است.

طرح درس روزانه

شامل اهداف آموزشی، فعالیت‌های کلاسی، و ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان است. چند نمونه از طرح درس روزانه در زمینه ادبیات و تاریخ:

ادبیات حماسی:

موضوع: رزم رستم و اسفندیار، اهداف: آشنایی با شاهنامه فردوسی، انواع ادبیات حماسی، و تحلیل شعر، فعالیت‌ها: روخوانی متن، تحلیل شعر، و برگردان بیت‌ها به نثر امروزی.

ادبیات دوم دبیرستان: موضوع: مناجات و خواجه عبدالله انصاری، اهداف: آشنایی با مناجات، خواجه عبدالله، و آرایه‌های ادبی، فعالیت‌ها: روخوانی متن، تحلیل نثر مسجع، و معرفی آرایه‌های ادبی.

بسمه تعالی

## درس: ۱ تاریخ ادبیات فارسی در قرنهای هفتم هشتم و نهم

با رویکرد مبتنی بر ساحت ها

### علوم و فنون پایه یازدهم درس یک

| مشخصات               |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |            |                     |                     |        |
|----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|---------------------|---------------------|--------|
| نام و نام خانوادگی:  | مدرک و رشته تحصیلی:                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | دوره:      | نام و نام خانوادگی: | مدرک و رشته تحصیلی: | دوره:  |
| کد پرسنلی:           | شهر:                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | دبستان:    | پایه تحصیلی:        | تاریخ:              | جنسیت: |
| مدت زمان: ۱,۲۰ دقیقه | موضوع:                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | عنوان درس: | تعداد دانش آموز:    | جنسیت:              | تاریخ: |
| اهداف کلی            | هدف این است که دانش آموزان ویژگی ها و ویژگی های ادبی این دوره ها را بشناسند و با تأثیرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی بر آثار ادبی آشنا شوند.<br>هدف دیگر این است که دانش آموزان تأثیرات وضعیت اقتصادی، حرفه ای و تحولات علمی و فناوری را بر زندگی و آثار شاعران و نویسندگان این دوره ها بررسی کنند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |            |                     |                     |        |
| اهداف جزئی           | <p>۱. ساحت زیستی-بدنی:</p> <p>آشنایی دانش آموزان با تأثیرات زندگی بدنی و سلامت جسمانی شاعران و نویسندگان آن دوره و نقش آن در شکل گیری آثار ادبی.</p> <p>۲. ساحت علمی-فناورانه:</p> <p>ارتقاء آشنایی دانش آموزان از پیشرفت های علمی و فناوری های مختلف در قرن های هفتم تا نهم و تأثیر آن بر ادبیات و فرهنگ جامعه.</p> <p>۳. ساحت اجتماعی-سیاسی:</p> <p>آشنایی با وضعیت اجتماعی و سیاسی آن دوران و تأثیر آن بر جریان های ادبی و نگرش های نویسندگان نسبت به تحولات اجتماعی و سیاسی.</p> <p>۴. ساحت اخلاقی و دینی:</p> <p>تحلیل ارزش های اخلاقی و دینی در آثار ادبی و نحوه بازتاب آن ها در زندگی شاعران و نویسندگان قرن های هفتم تا نهم.</p> <p>۵. ساحت فرهنگی و هنری:</p> <p>بررسی ویژگی های فرهنگی و هنری آن دوران و تأثیرات آن بر شکل گیری سبک ها و جریان های ادبی در قرن های هفتم، هشتم و نهم.</p> <p>۶. ساحت اقتصادی-حرفه ای:</p> <p>آشنایی با وضعیت اقتصادی و حرفه ای در قرن های هفتم، هشتم و نهم و تأثیر آن بر آثار ادبی و سبک زندگی شاعران و نویسندگان این دوران.</p> |            |                     |                     |        |

این

طرح ها به دانش آموزان کمک می کنند تا با مفاهیم ادبی و تاریخی آشنا شوند و مهارت های تحلیل و نقد ادبی را توسعه دهند.

## درس ۲: پایه های آوایی شعر

دانش افزایی

عوامل موسیقایی در شعر: عوامل موسیقایی در شعر، زبان آن را از زبان روزمره متمایز می کند و به آن آهنگ و توازن می بخشد. این عوامل شامل وزن، قافیه، ردیف، جناس و... است که قابل تحلیل هستند. علاوه بر این، عوامل ناشناخته ای نیز وجود دارد که فقط قابل حس شدن است و ممکن است در آینده کشف شوند.

تکامل موسیقی در زبان: موسیقی در زبان از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و انسان ابتدایی را به شگفتی انداخته است. این هماهنگی در طول تاریخ تغییرات زیادی کرده و تکامل یافته است. هر مجموعه گفتاری از عناصر آوایی و صوتی تشکیل شده است که می توانند توازن ها و تناسب هایی با یکدیگر داشته باشند. این توازن ها انواع مختلف موسیقی زبانی را به وجود می آورند.

الف) وزن: زمانی ایجاد می شود که مجموعه آوایی بر اساس کوتاه و بلندی مصوت ها یا ترکیب صامت ها و مصوت ها از یک نظام خاص پیروی کند. وزن در هر زبانی اشکال مختلف دارد و ممکن است برای گویشوران یک زبان موزون باشد، اما برای گویشوران زبان دیگر موزون نباشد.

ب) قافیه: قافیه تناسبی است که بر اساس اشتراک صامت‌ها و مصوت‌ها در مقاطع خاص یک شعر ایجاد می‌شود. این تناسب نوعی از موسیقی شعر است که از دیرباز در میان اقوام ابتدایی به عنوان عاملی مؤثر در رستاختیز کلمه‌ها شناخته شده است.

پ) ردیف: ردیف شکل دیگری از موسیقی شعر است که به عنوان تکمیل یا شکل غنی‌تر شده قافیه شناخته می‌شود. با توجه به ابیات زیر و بازخوانی آن مرز بین پایه های آوایی و درنگ منظم بین هر دسته از هجاها را درک می‌کنیم. هدف از این تمرین تقویت تشخیص هم وزنی و پایه های آوایی همسان است و دانش آموزان می‌توانند بدون توجه به معنی به هم وزنی و هماهنگی فکر کنند.

ای ساربان، آهسته ران کارام جانم می رود  
وان دل که با خود داشتم با دل ستانم می رود

|              |           |             |           |
|--------------|-----------|-------------|-----------|
| ای ساربان    | آهسته ران | کارام جا    | نم می رود |
| وان دل که با | خود داشتم | با دل ستانم | نم می رود |

من مانده ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او  
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می رود

|             |           |            |           |
|-------------|-----------|------------|-----------|
| من مانده ام | مهجور زو  | بیچاره     | رنجور زو  |
| گویی که نی  | شی دور زو | در استخوان | نم می رود |

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد  
هر که محرابش تو باشی سر ز خلوت بر نیارد

|                |            |           |          |
|----------------|------------|-----------|----------|
| هر که چی زی    | دوست دارد  | جان دل بر | وی گمارد |
| هر که محراب را | بش تو باشی | سر ز خلوت | بر نیارد |

### درس ۳: تشبیه

دانش افزایی

خیال و عاطفه در شعر: خیال یا تصویر حاصل تجربه‌ای است همراه با زمینه عاطفی، ناقدان معاصر بر پیوستگی ایماژ و عاطفه تأکید می‌کنند. شاعران از تجربه‌های مشترک انسانی مانند شادی و غم سخن می‌گویند، اما با تشخیص و برجستگی خاصی که در شعرشان منعکس می‌شود.

شعر به عنوان تجربه: شعر را می‌توان نوعی تجربه انسانی نامید. ابن اثیر در کتاب «الاستدراک» و امیل زولا در اروپا این مفهوم را رواج دادند. تجربه شعری یک رویداد روحی است که ناآگاهانه در ذهن شاعر انعکاس می‌یابد و دارای تصاویر و شیوه‌های خاصی است.

علم بیان و تصویرهای شاعرانه: علم بیان به کشف تفاوت معنایی در کاربرد واژگان می‌پردازد. شاعران جهان را متفاوت می‌بینند و به زبان تصویری و عاطفی بیان می‌کنند. در علم بیان، تصاویر شاعرانه در مقوله‌هایی مانند مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه و امروزه اسطوره، سمبل، آرکی تایپ مورد بحث قرار می‌گیرند.

#### انواع و اقسام تشبیه

تشبیه یک روش ادبی است که در آن دو چیز یا پدیده با استفاده از ویژگی‌های مشترک به هم شبیه شده و به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این عمل نوعی تلاقی بین ذهن شاعر و دنیای بیرون است. در تشبیه، شباهت بین دو چیز ادعا می‌شود نه اینکه حقیقتاً شبیه باشند. برای مثال، شاعر می‌تواند دل خود را به بید لرزان تشبیه کند تا بی‌قراری و بی‌تابی خود را بیان کند. در تشبیه، این شباهت مبتنی بر کذب است و نه حقیقت، یعنی به ظاهر بین آن دو چیز شباهتی وجود ندارد، اما ما آن را ایجاد می‌کنیم. تشبیه از نظر ارکان و ساختار به انواع مختلفی تقسیم می‌شود.

۱. تشبیه گسترده حداقل سه رکن دارد، در حالی که ۲. تشبیه فشرده فقط شامل مشبه و مشبه به است و به دو نوع ترکیب اضافی و غیرترکیبی تقسیم می‌شود. ۳. تشبیه تمثیل نیز نوعی تشبیه است که وجه شبه آن مرکب است و جنبه حکایتی دارد، اما هر تشبیه مرکبی لزوماً تمثیل نیست. در تشبیه تمثیل، مشبه به جنبه محسوس دارد و برای توضیح یک مفهوم معقول استفاده می‌شود.

#### تفاوت تشبیه تمثیل با ارسال المثل

در ارسال المثل هم معقولی به محسوس مرکب تشبیه می‌شود. اما مشبه به جنبه ضرب المثل دارد و می‌توان آن را بدون مشبه خواند. در ارسال المثل ادات تشبیه ذکر نمی‌شود:

غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد سوزنی باید کز پای برآرد خاری

#### الف) تشبیه گسترده

چو مرغ بنالم: تشبیه گسترده؛ "م" در بنالم: مشبه، "مرغ": مشبه به، "چو": ادات تشبیه، "نالیدن": وجه شبه  
تو همچو سرو ببالی: تشبیه گسترده؛ "تو": مشبه، "سرو": مشبه به، "همچو": ادات تشبیه "بالیدن": وجه شبه  
ب) تشبیه فشرده:

کمان ابرو: تشبیه فشرده؛ "ابرو": مشبه "کمان": مشبه به "بلای عشق": تشبیه فشرده؛ "عشق": مشبه، "بلا": مشبه به  
کارگاه تحلیل فصل اول

زیبایی‌شناسی: در متن "پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد."  
• کاربرد سجع: استفاده از کلمات هم‌صدا مانند "گل" و "دل".

- کاربرد تشبیه: مقایسه ابرکرم با باران محبت، با تناسب بین ابر، باران، و بارید.
- واج آرایی: تکرار واج‌های "ب"، "ر"، و "د".
- تکرار: تکرار کلمه "گل".

#### تاریخ ادبیات

- مرصاد العباد: اثر نجم الدین رازی، یک اثر عرفانی با نثری شیوا و آراسته است که شامل سلوک دین و تربیت نفس است.
- ویژگی‌های زبانی مولوی: استفاده از زبان کهنگی نزدیک به سبک خراسانی و برخی ویژگی‌های بدیع نزدیک به سبک عراقی.
- ویژگی‌های ادبی: شعرهای مولوی غزل هستند، با وزن شاد و طرب‌انگیز، و شامل صنایع ادبی مانند تکرار، تضاد، و تشبیه می‌شوند.
- ویژگی‌های فکری: محتوای شعر عرفانی و بیانگر شوریدگی شاعر از درک اقبال حقیقی است.

### فصل ۲: سبک شناسی قرن های ۷، ۸، ۹

#### درس ۴ سبک عراقی

#### روش بررسی سبک شناختی متون

#### ۱. سطح زبانی (Literally Level):

در سه بخش آوایی (Phonological)، لغوی (Lexical)، و نحوی (Syntactical) می‌باشد:

الف) سطح آوایی (Phonological): موسیقی بیرونی: شامل وزن، قافیه، و ردیف.

- موسیقی درونی: ایجاد شده توسط صنایع بدیع لفظی مانند سجع، جناس، و تکرار. تخفیف لغات و استفاده از تلفظ‌های کهن.

#### ب) سطح لغوی (Lexical):

- بررسی درصد لغات فارسی و عربی و لغات بیگانه. کهن گرایی و استفاده از لغات قدیمی. سره نویسی و نوع گزینش واژه.

- بسامد برخی لغات در آثار نویسندگان که می‌تواند در تعیین سبک شخصی مؤثر باشد.

- علاقه برخی نویسندگان به لغات خاص که ممکن است تکرار شوند. (ص ۱۴۲ کتاب)

#### پ) سطح نحوی (Syntactical) یا سبک شناسی جمله:

متن به بررسی سبک‌شناسی در سطح نحوی و بسامدی می‌پردازد. در این راستا، بررسی نحوی شامل ساختارهای غیرمتعارف، طول و کوتاه بودن جملات، و استفاده از ساختارهای کهن دستوری است. بررسی بسامدی با کمک رایانه به تحلیل تکرار عناصر زبانی می‌پردازد. در سطح نحوی، توجه به جمله‌بندی نویسندگان مختلف مانند جلال آل احمد و محیط طباطبایی مهم است. هر اثر به توجه و دقت خاصی نیاز دارد و نمی‌توان فهرست کاملی از همه موارد را در نظر داشت. در نهایت، متن خود راه را به سبک‌شناس نشان می‌دهد.

## ۲. سطح فکری (Philosophical Level):

سطح فکری در تحلیل متن به مفاهیم و ایده‌های موجود در آن می‌پردازد. در این سطح، بررسی می‌شود که آیا اثر درون‌گرا (ذهنی) است یا برون‌گرا (عینی)، آیا شاد یا غم‌انگیز است، خردگرا یا عشق‌گرا (عرفانی) است. همچنین، بررسی می‌شود که نویسنده چه تفکر خاصی را تبلیغ می‌کند و آیا احساسات ملی‌گرایانه یا مذهبی دارد یا خیر. در این سطح، تلقی نویسنده نسبت به مسائل زندگی، مرگ، عشق، صلح، و جنگ نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادبیات عرفانی، جزئیات مربوط به قبض و بسط نیز بررسی می‌شود. در نهایت، سطح فکری می‌تواند به شناسایی سبک دوره‌ای یا شخصی کمک کند.

اهمیت بررسی مختصات فکری در سبک‌شناسی اشاره خواهیم داشت. در Micro stylistics (بررسی‌های کوچک)، اگر توالی جملات کافی باشد، می‌توان به مختصات فکری پی برد. در Macro stylistics (بررسی‌های بزرگ)، یافتن مختصات فکری برای درک سبک یک دوره یا نوع ادبی ضروری است. همچنین، باید از مغلطه قصد (Intentional fallacy) که به تفسیر اثر بر اساس قصد نویسنده اشاره دارد، اجتناب کرد. در ادبیات کهن، معنای پنهان اثر مهم‌تر از تفسیر نویسنده است و باید به صداقت نویسنده و معنای باطنی اثر توجه کرد.

## ۳. سطح ادبی (Literary Level):

عناصر ادبی و زبانی در آثار ادبی، در این راستا، بسامد لغات مجازی و استفاده از تشبیه، استعاره، سمبل، و کنایه از مسائل علم بیان هستند. همچنین، ایهام و تناسب از مسائل بدیع معنوی به شمار می‌روند. فرمالیست‌ها بر ادبیت و ادبی بودن اثر تأکید می‌کنند که به نحوه بیان و ارائه موضوع اشاره دارد. بررسی نوع ادبی اثر (مانند حماسه یا تراژدی) و وفاداری به قراردادهای ادبی نیز مهم است. در نهایت، توجه به مسائل فصاحت و بلاغت در هر سبکی ضروری است.

عثمانوف در بررسی سبک شعر فارسی سده چهارم هجری، به دو نوع سبک‌شناسی اشاره می‌کند: زبان‌شناسانه و ادبی. در سبک‌شناسی ادبی، عوامل فکری مانند نسبت ذهنیت و عینیت، فردیت و کلیت، سادگی و پیچیدگی، سکون و حرکت مورد توجه قرار می‌گیرند. در این دوره، ممدوح با مبالغه وصف می‌شود، اما برخورد با معشوق عینی است. سکون و تعادل در شعر این دوره نیز برجسته است. سبک‌شناسی به عنوان یک صنعت شناخته می‌شود که نیازمند حس و درک علاوه بر علم است. در این زمینه، توجه به بسامدها و مختصات اساسی و لایه‌های پنهان زبانی و فکری برای درک سبک شخصی یک اثر ضروری است.

در دوره سلجوقیان، تصوف در ایران رواج یافت و پس از حمله مغول، توجه به امور اخروی و اعتقاد به قضا و قدر افزایش یافت. شاعران مانند سنایی، خاقانی، و نظامی در قرن ششم به مطالب شرعی و عرفانی پرداختند. سنایی با شعرهای عرفانی خود، به ویژه در "حدیقه الحقیقه"، تصوف را به شعر وارد کرد. نظامی نیز در "مخزن الاسرار" به این موضوع پرداخت و از شاعران مداح انتقاد کرد. شعر شرعی این دوره به عنوان واکنشی در برابر شعر مدحی بود و شاعران عارف مانند سنایی، عطار، و مولانا از شاعران دنیوی انتقاد کردند.

#### مختصات سبک عراقی

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت 300 سال (در زمان مغولان، ایلخانان مغول و تیموریان) سبک رایج ادبیات فارسی بود. مختصات این سبک عبارت است از:

از نظر زبانی:

- زبان: بر اساس چهارچوب فارسی قدیم (سبک خراسانی) است، اما بسیاری از مختصات کهن خود را از دست داده و مختصات جدیدی یافته است.
- لغات: استفاده از لغات فارسی اصیل قدیم کمتر شده و لغات عربی جایگزین شده‌اند.
- آواها: مختصات آوایی کهن مانند تشدید و تخفیف کم شده‌اند.

از نظر ادبی:

- قالب شعری: غزل مسلط است و به تدریج در تعداد ابیات و تخلص ثبات می‌یابد.
- توجه به بیان و بدیع: شاعران به هنرهای بدیع و بیان توجه زیادی دارند که در شعر خراسانی وجود نداشت.

#### رواج غزل

غزل در آثار قدما به چهار معنی مختلف آمده است

۱. غزل ملحون: به مقطعات چند بیتی که ملحون بود و در موسیقی مرسوم بود، اشاره دارد. اصطلاح "قول و غزل" به این معنی مرتبط است.

۲. غزل به معنی تغزل قصیده: به استفاده از عناصر غزل در قصیده اشاره دارد.

۳. غزل به معنی مطلق شعر عاشقانه: معادل ادب غنایی است و به هر شعری که عاشقانه باشد، گفته می‌شود.

۴. غزل به معنی مصطلح: یکی از قوالب شعری است که در قرن ششم رواج یافت و در قرن هفتم به اوج خود رسید. این قالب تا به امروز ادامه دارد و شامل شعرهایی با موضوعات عاشقانه و عرفانی است.

منشا غزل: در ادبیات عرب، غزل به عنوان یک قالب شعری خاص وجود نداشت و شاعران مضامین عاشقانه را در قصیده‌ها بیان می‌کردند. در شعر فارسی نیز تا قرن ششم، تغزل در قصیده رواج داشت و غزل به عنوان یک قالب مستقل کمتر دیده می‌شد. منشأ غزل به این صورت است که در اوایل قرن ششم، به دلیل کاهش مدح در قصیده، تغزل از قصیده جدا شد و

به غزل تبدیل شد. در غزل، شاعران نام خود را به جای نام ممدوح می‌آورند. اگرچه در قرن‌های سوم تا پنجم غزل‌های اندکی وجود دارد، اما در قرن ششم، شاعران قصیده‌پرداز مانند قطران و خاقانی غزل‌های بسیاری سروده‌اند. در آغاز سده هفتم، غزل‌های عاشقانه و عارفانه به کمال رسیدند. عطار غزل عارفانه را با شیوه‌ای ادامه داد که سنایی آغاز کرده بود. فخرالدین عراقی و مولوی نیز در این مسیر پیش رفتند و غزل عرفانی را به اوج رساندند. در مقابل، سعدی غزل عاشقانه را با زبان شیرین و لطیف به کمال خود رساند. در قرن هشتم، شاعران به تلفیق غزل عاشقانه و عارفانه پرداختند و حافظ با غزل‌هایی که هم عاشقانه و هم عارفانه بود، اوج این جریان را نشان داد. شعر حافظ نماینده هر سه جریان عمده شعری قبل از خود بود و معبود، معشوق، و ممدوح را در خود داشت.

## درس ۵ پایه‌های هم‌آوایی همسان ۱

دانش افزایی

پس از درک پایه‌های آوایی، می‌توان آنها را به دسته‌های منظم تقسیم کرد. وقتی این پایه‌ها به طور منظم تکرار می‌شوند، به آنها "پایه‌های آوایی همسان" می‌گویند. برای ساده‌سازی، هر پایه آوایی را می‌توان با معادل آوایی یا نمادهای آوایی آن جایگزین کرد که به آن "وزن واژه" می‌گویند. در شعر، وزن واژه "مفاعیلن" به عنوان یک خوشه هجایی چهار هجایی تکرار می‌شود. این وزن در شعرهای حافظ و سعدی نیز به کار رفته است.

غزلی از سعدی در وزن مفاعیلن

در غزل سعدی، وزن "مفاعیلن" به کار رفته است. این وزن به عنوان یک خوشه هجایی چهار هجایی تکرار می‌شود.

|                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| مرا خود با تو چیزی در میان هست | وگر نه روی زیبا در جهان هست |
| وجودی دارم از مهرت گدازان      | وجودم رفت و مهرت همچنان هست |
| نشانه وزنی مفاعیلن: _ _ _      |                             |

همچنین، در رباعی همای شیرازی، وزن "فاعلاتن" با نشانه‌های هجایی یک هجای کوتاه و سه هجای بلند استفاده شده است. این وزن نیز به صورت منظم در مصراع‌های شعر تکرار می‌شود.

عاشق بیدل کجا با خلق عالم کار دارد      بگذرد از هر دو عالم هر که عشق یار دارد

نشانه وزنی فاعلاتن: \_ \_ \_

در شعر فارسی، هجاها به سه نوع تقسیم می‌شوند: کوتاه، بلند و کشیده. هر یک از این هجاها با علائمی مشخص می‌شوند:

- هجای کوتاه: دارای دو حرف (یک صامت و یک کوتاه) است و با علامت  $\bar{u}$  نشان داده می‌شود. مثال: نَ، تْ
- هجای بلند: دارای دو حرف (ترکیب یک صامت و مصوت بلند) و یا سه حرف است (یک مصوت کوتاه و دو صامت) و با علامت  $\bar{u}$  نشان داده می‌شود. مثال: سر، پا.

- هجای کشیده: دارای چهار یا پنج حرف است و با علامت U \_ نشان داده می‌شود. هر هجای کشیده معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است. مثال: نرم، پارس.

این هجاها در وزن شعر نقش مهمی دارند و با ترکیب آنها، وزن‌های مختلف شعری ایجاد می‌شود.

## درس ۶: مجاز

### مجاز

حقیقت به معنی اصلی یک واژه اشاره دارد، در حالی که مجاز به استفاده از آن واژه در معنایی غیر از اصلی اشاره دارد. علاقه پیوندی است بین معنی اصلی و غیر اصلی که مجوز استفاده از مجاز را فراهم می‌کند. قرینه نشانه‌ای است که ما را از معنی اصلی به سوی معنی مجازی هدایت می‌کند.

مجاز در همه زبان‌ها وجود دارد و به غنای زبان کمک می‌کند. اگر مجاز وجود نداشت، تعداد واژگان باید بی‌نهایت می‌شد تا هر پدیده‌ای یک واژه خاص داشته باشد. استعاره از انواع مجاز است که تصویرساز و مصور است. مجاز به زبان این امکان را می‌دهد که واژه‌ها را در معانی مختلف به کار ببرد و از این طریق به گستردگی و غنای زبان کمک می‌کند. (ص ۱۶۴ کتاب) علاقه‌های مجاز در زبان به چند نوع تقسیم می‌شوند:

۱. علاقه کل به جزء: استفاده از کل برای اشاره به جزء، مانند استفاده از "دست" به جای "سرانگشتان".

دست در حلقه آن زلف دو تا نتوان کرد      تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

۲. علاقه جزء به کل: استفاده از جزء برای اشاره به کل، مانند استفاده از "گردن" به جای کل وجود.

ز مادر همه مرگ را زاده ایم      به بی کام گردن بدو داده ایم

۳. علاقه حال و محل: استفاده از محل برای اشاره به حال، مانند استفاده از "شهر" به جای "مردم شهر".

شهری به تیغ غمزه خونخوار و لعل لب      مجروح می‌کنی و نمک می‌پراکنی

۴. علاقه لازمیه: استفاده از چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیز دیگر، مانند استفاده از "ماه" به جای "نور ماه".

ماه دشت لاله‌ها را روشن کرده بود.

۵. علاقه سببیه: استفاده از سبب به جای خود آن، مانند استفاده از "صفرا" به جای "عصبانیت". بر صفرای خویش بر نیامدم

۶. علاقه جنس: استفاده از جنس برای اشاره به خود آن چیز، مانند استفاده از "آهن" به جای "تیشه آهنی".

بگفت آهن خورد و رخود بود سنگ

۷. علاقه مشابَهت: استفاده از یک واژه به دلیل شباهت به جای واژه دیگر، مانند استفاده از "گهر" به جای "سخن".

چون بگویی بغشانی گهر از حقه لعل      چون بخندی بنمایی ز شکر مروارید

## فصل ۳: تاریخ ادبیات فارسی در قرن ۱۰ و ۱۱

در دوره صفویه، تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران ترویج شد و ادبیات مذهبی رونق گرفت. شاعران به جای مدح شاهان، به نعت انبیا و اولیا پرداختند و مرثیه‌های آل رسول را سرودند. علما نیز به جمع‌آوری و شرح احادیث شیعه پرداختند و کتب دینی مهمی به فارسی تألیف کردند.

شاهان صفوی با وجود تمرکز بر سیاست مذهبی، از علم و ادب نیز حمایت کردند. برخی از آنها مانند شاه عباس و شاه طهماسب خود شاعر بودند. صنایع ظریفه مانند نقاشی و خوش‌نویسی نیز رونق گرفت.

سبک هندی در شعر این دوره رواج داشت و شاعران مانند صائب تبریزی و فیضی اشعار نغز و لطیفی سرودند. زبان فارسی در هند نیز به واسطه فتوحات اسلامی و سلطنت مغولان گسترش یافت و به زبان دربار تبدیل شد. شاهان مغول هند از زبان فارسی حمایت کردند و این زبان بر زبان اردو نیز تأثیر گذاشت.

#### شعرای معروف

محتشم کاشانی، شاعر معروف دوره صفویه و معاصر شاه طهماسب، در کاشان به دنیا آمد و زندگی کرد. او ابتدا به سرودن غزل و مدیحه پرداخت، اما با توجه به تمایلات دینی دربار صفوی، به سرودن مرثیه‌های اهل بیت روی آورد و در این زمینه شهرت یافت. معروف‌ترین اثر او، دوازده بند مرثیه‌ای برای حسین بن علی است که تا به امروز در مجالس عزاداری خوانده می‌شود. او را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌سرای ایران می‌دانند.

عرفی شیرازی، شاعر معروف دوره صفویه، در سال ۹۶۳ هجری در شیراز به دنیا آمد. او در جوانی به هند سفر کرد و به دربار اکبرشاه راه یافت. عرفی در قصیده‌سرایی و غزل‌سرایی مهارت داشت و از پیروان سبک هندی بود. او دو مثنوی از خمسه را تصنیف کرد و دیوان اشعار و رساله‌ای به نام «نفسیه» از خود به جای گذاشت. شعر او در هند و ترکیه مورد تحسین قرار گرفت و به عنوان یکی از مبتکران سبک هندی شناخته می‌شود. عرفی در سال ۹۹۹ هجری در لاهور درگذشت.

محمدعلی صائب تبریزی، شاعر بزرگ قرن یازدهم هجری، در اصفهان به دنیا آمد. او از خانواده‌ای تبریزی بود که به دستور شاه عباس اول به اصفهان کوچ کردند. صائب به تحصیلات مختلف پرداخت و به حج رفت. سپس به هند و کابل سفر کرد و مورد توجه ظفرخان قرار گرفت. او شش سال در هند و کابل اقامت داشت و پس از بازگشت به اصفهان، به مقام ملک‌الشعرا رسید.

صائب از شاعران سبک هندی بود و اشعار او به دلیل نازک کاری و باریک اندیشی مشهور است. او از حافظ و سعدی تأثیر گرفته بود و اشعارش در ایران و هند بسیار محبوب بود. صائب حدود ۶۰ تا ۱۲۰ هزار بیت شعر سروده است و دیوان غزلیات او از مهم‌ترین آثار ادبیات فارسی است. او در اصفهان درگذشت و آرامگاهش در همان شهر قرار دارد.

وحشی بافقی در اواخر سلطنت شاه اسماعیل صفوی در دهکده بافق یزد به دنیا آمد. او در جوانی به یزد رفت و از دانشمندان آنجا بهره برد. سپس به کاشان رفت و به مکتب‌داری پرداخت. پس از بازگشت به یزد، بیشتر عمرش را در تنهایی گذراند. وحشی

با وجود زندگی پر از اندوه و تنگدستی، شاعری بلند نظر بود و در اشعارش از سوز و گداز زندگی و عشق‌های نافرجام سخن گفته است.

آثار وحشی شامل دیوان اشعار با قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و مثنوی‌ها است. او سه مثنوی معروف به نام‌های خلد برین، ناظر و منظور، و فرهاد و شیرین دارد. غزل‌های او از زیباترین اشعار او به شمار می‌روند. وحشی در سال ۹۹۱ هجری در یزد درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد.

ابوطالب کلیم کاشانی، ملک‌الشعراى شاه جهان، از شاعران برجسته سبک هندی بود. او با شاعران مانند صائب تبریزی معاصر بود و اشعارش در هند شهرت یافت. کلیم در کشمیر درگذشت و به خاک سپرده شد. از او دیوانی شامل غزلیات، قصاید، مقطعات و مثنویات باقی مانده است. شبلی نعمانی او را مبتکر و مضمون‌آفرین دانسته است.

همچنین، عبدالقادر بیدل، آخرین شاعر نامی هند، در غزل عرفانی و مثنوی استاد بود و بهترین نمونه سبک هندی را ارائه کرد. او بالغ بر صد هزار بیت شعر سروده و وفاتش در سال ۱۱۳۳ در دهلی اتفاق افتاد.

### درس ۸: پایه‌های آوایی همسان ۲

غزل سعدی با وزن واژه "فعولن" یا "ت تن تن" (U -) سروده شده است. این وزن با تکرار چهار بار در هر بیت، موسیقی خاصی را ایجاد می‌کند. وزن "فعولن" معمولاً مناسب اشعار حماسی مانند شاهنامه فردوسی استفاده می‌باشد، اما سعدی آن را در بوستان برای بیان اندرز و اخلاق به کار گرفته است. او با انتخاب واژگان مناسب، این وزن کوبنده را نرم و رام کرده است.

وزن واژه مفتعلن /خوشه هجایی:

سروده زیر از مولانا مفتعلن مفتعلن کشت مرا

دست فشانم چو شجر، چرخ زنان همچو قمر    چرخ من از رنگ زمین پاک تراز چرخ سما

با خوانش صحیح غزل مولانا و توجه به ضرب آهنگ واژگان و هجاها، می‌توان به نظم موجود در برش‌های آوایی ابیات پی برد. برای مثال، یک بیت را به پایه‌های آوایی تقسیم می‌کنیم و به وزن واژه "مفتعلن" با خوشه هجایی (- -) می‌رسیم.

|                |          |            |          |           |
|----------------|----------|------------|----------|-----------|
| پایه های آوایی | چرخ م نز | رن گ ز مین | پاک ت رز | هم چ ق مر |
| وزن واژه       | مفتعلن   | مفتعلن     | مفتعلن   | مفتعلن    |
| خوشه های هجایی | - -      | - -        | - -      | - -       |

وزن واژه مستفععلن /خوشه هجایی - - U-

اکنون که با دقت و با توجه به برش های آوایی این غزل حافظ را می خوانیم و در هر بیت سعی می کنیم به نظمی که در برش های آوایی وجود دارد پی ببریم.

چون من گدای بی نشان مشکل بود یاری چنان سلطان کجا عیش نهان با رند بازاری کند (ص ۱۸۵ کتاب)

|                |             |            |            |             |
|----------------|-------------|------------|------------|-------------|
| پایه های آوایی | چ ن من گ دا | ی بی ن شان | مش کل ب ود | یار ی چ نان |
| وزن واژه       | مستفعلن     | مستفعلن    | مستفعلن    | مستفعلن     |
| خوشه های هجایی | - U -       | - U -      | - U -      | - U -       |
|                | سلطان ک جا  | عی ش ن هان | با رن د با | زاری ک ند   |

وزن واژه فعلاتن / خوشه هجایی: -UU-

غزل سعدی با وزن واژه "فعلاتن" و خوشه هجایی (-UU-) سروده شده است. در تدریس این درس، معلم باید پس از خوانش درست چند بیت، پایه های آوایی همسان را توضیح دهد و با مثال، تفاوت بین ابیاتی با پایه های همسان و ناهمسان را نشان دهد. سپس دانش آموزان را تشویق کند تا ابیاتی را با خوانش درست بخوانند و پایه های آوایی، وزن واژه و خوشه های هجایی را مشخص کنند.

سخن عشق تو بی آنکه بر آید به زبانم رنگ رخساره خبر می دهد از حال نهانم  
-UU- -UU- -UU- -UU- -UU- (ص ۱۸۷ کتاب)

## درس ۹: استعاره

استعاره

استعاره نوعی مجاز است که در آن یک واژه به جای واژه دیگر به دلیل شباهت به کار می رود. این پدیده در زبان ادبی بسیار مهم است و نوعی تشبیه فشرده است. استعاره با حذف مشبه و وجه شبه و ادات تشبیه از تشبیه ایجاد می شود و فقط مشبه به باقی می ماند. استعاره از نظر ایجاد و توانایی در ایجاد یک جهان تازه از اشیا و نام های تازه بر تشبیه برتری دارد. در استعاره، ادعای یکسانی وجود دارد نه شباهت، و خواننده را به پذیرش یک واقعیت جدید وامی دارد.

هزاران نرگس از چرخ جهانگرد فروشد تا برآمد یک گل زرد  
شاعر نمی گوید که خورشید مثل گل زرد است بلکه می گوید خود گل زرد است.

قرینه

استعاره در جمله نیاز به قرینه دارد تا معنای آن برای شنونده واضح شود. قرینه می‌تواند یک صفت از مشبه یا مشبه به باشد که حذف شده است. بدون قرینه، شنونده نمی‌تواند معنای استعاره را درک کند. برای مثال، اگر کسی بگوید "شیری را دیدم" و مقصودش فرد شجاع باشد، بدون قرینه، شنونده نمی‌فهمد که منظور از "شیر" چیست.

#### فصل ۴: سبک شناسی قرن ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی)

دانش افزایی سبک هندی

روش بررسی سبک شناختی متون

برای تحلیل سبک‌شناسی یک متن، باید آن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات بررسی کرد. عوامل پیدایش سبک هندی در شعر فارسی عبارتند از:

۱. مذهب: پیدایش سبک هندی در ادبیات فارسی به عوامل مختلفی مربوط می‌شود. حکومت صفویه با ترویج مذهب شیعه، به شعر مدحی و درباری توجهی نداشت و این باعث تغییر در سبک ادبی شد. شاعران به جای قصیده و شعر عاشقانه، به مضامین جزئی‌تر، پند و اندرز، و توصیف طبیعت روی آوردند. از بین رفتن طبقه شاعران درباری باعث شد که شعر در دسترس همه قرار گیرد و شاعری دیگر در انحصار طبقه خاصی نباشد. در این دوره، شاعران با مشاغل مختلف ظهور کردند.

۲. سفر به هند: عدم توجه شاهان صفوی به شعر مدحی باعث شد که شاعران به هند مهاجرت کنند و در آنجا به کار شعر بپردازند. این مهاجرت در شکل‌گیری سبک هندی تأثیرگذار بود.

۳. توسعه اصفهان و رفاه اقتصادی: در دوره صفویه به عنوان پایتخت، این شهر به یک مرکز فرهنگی و اقتصادی تبدیل شد. اصفهان به یک شهر صنعتی با کارخانه‌های قالی‌بافی، شیشه‌گری و کاشی‌سازی تبدیل گردید. این توسعه باعث شد که شعر و ادب در دسترس همه قرار گیرد. رفاه اقتصادی در این دوره، با رونق تجارت خارجی و داخلی، امکانات فرهنگی را برای همه فراهم کرد و مردم را به سمت ادبیات و شعر سوق داد.

۴. فتوحات غزنویان و نفوذ زبان فارسی به هند: فتوحات غزنویان و نفوذ زبان فارسی به هند نیز در گسترش این سبک مؤثر بود.

۵. علاقه شاهان صفوی به فرهنگ: شاهان صفوی، علی‌رغم سهم در نفوذ زبان ترکی، به زبان فارسی و ادب نیز توجه نشان دادند. آنها به دلیل مقام شیخی و رقابت با شاهان عثمانی و هندی، شعر و شاعری را مورد حمایت قرار دادند. در دوره صفویه، هنرهایی مانند قالی‌بافی، سفالگری، شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی رونق گرفتند. هنرمندانی مانند بهزاد و رضا عباسی از مفاخر این دوره هستند.

ساختار سبکی بیت هندی

در سبک شعر هندی، هر بیت به صورت مستقل است، اما با استفاده از قافیه و ردیف به شکل غزل درمی‌آید. ساختار این بیت‌ها شامل یک مصراع معقول (شعاری) و یک مصراع محسوس (با تمثیل یا تشبیه) است. مهم‌ترین جنبه در این سبک،

توانایی شاعر در ایجاد روابط تازه بین معقول و محسوس است. شاعران بزرگ در این سبک، ذهن خلاقانه‌ای دارند که می‌توانند مدام بین این دو ارتباطات نوآورانه برقرار کنند. گاهی برای آزمایش خلاقیت شاعر، از او می‌خواستند که برای یک مصراع معادل هنری بیابد.

معروف ترین شاعران سبک هندی

از معروف‌ترین شاعران سبک هندی می‌توان به کلیم کاشانی و میرزا صائب اصفهانی اشاره کرد. کلیم کاشانی به‌عنوان ملک‌الشعرای دربار شاه جهان شناخته می‌شود و شعرهای او بیشتر شبیه غزل‌های سبک عراقی است. صائب اصفهانی معروف‌ترین شاعر سبک هندی است که تعداد زیادی غزل در ادبیات فارسی دارد و از شاعران قدیمی مانند حافظ و مولانا الهام گرفته است.

عبدالقادر بیدل دهلوی بزرگترین شاعر فارسی‌گوی هند است. اشعار او به دلیل پیچیدگی و تعقید شناخته شده‌اند. در حالی که غزلیات شاعران سبک هندی معمولاً عاشقانه هستند، غزلیات بیدل دهلوی بیشتر جنبه عرفانی دارند. او نماینده برجسته سبک هندی است و با آثار خود به ادبیات فارسی خدمات ارزشمندی کرده است.

مختصات سبک هندی

۱. زبان: زبان شعر هندی به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر زبان کوچه و بازار قرار گرفته و از واژگان جدید استفاده می‌کند. این زبان نوین فارسی است و از مختصات زبان قدیم فاصله گرفته است. این تغییر به دلیل حملات پیاپی بیگانگان به ایران و از بین رفتن برخی از لغات قدیمی است.

۲. فکر: شعر هندی بر معنا و مضمون تأکید دارد و نه بر صورت و زبان. شاعران این سبک به ترجمه مفاهیم فلسفی و عرفانی می‌پردازند و سعی دارند آنها را به‌صورت ساده‌تر و خلاصه‌تر بیان کنند. شعر هندی بر ارائه مضمون‌های تازه و اعجاب‌انگیز تمرکز دارد.

۳. ادبیات: در این سبک، تشبیه نقش اساسی دارد، اما به دیگر صنایع بدیعی و بیانی توجه چندانی نمی‌شود. تلمیح در ایجاد مضمون‌های جدید بسیار مهم است. غزل قالب اصلی این دوره است، اما غزل‌هایی با طولانی شدن تا ۴۰ بیت و تکرار قافیه.

### درس ۱۱: پایه‌های آوایی همسان دولختی

دانش افزایی اوزان دوری

ابیات زیر را با دقت بخوانیم:

زان یار دلنوازم      شکرپیست با شکایت

گر نکته دان عشقی      بشنو تو این حکایت

کنایه در ادبیات و زبان روزمره به فراوانی استفاده می‌شود. تعارفات و دشنام‌ها گاهی به صورت کنایه بیان می‌شوند. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها نیز کنایه هستند، مانند "دست ما کوتاه و خرما بر نخیل" که به عدم دسترسی اشاره دارد. شاعران و نویسندگان نیز در ایجاد کنایه‌های جدید نقش دارند، مانند شعر فروغ فرخزاد که بوسیدن کسی را در حالی که در ذهن طناب دار او را می‌بافند، کنایه از دشمنی پنهان می‌داند.

وزن دوری به وزن مصرعی گفته می‌شود که هر مصرع را می‌توان به دو نیم مصرع (پاره) متساوی تقسیم کرد. در این وزن، هر پاره دو رکن دارد که در پاره دوم تکرار می‌شود. معمولاً کلام در پایان پاره (یعنی با رکن دوم) تمام می‌شود و در وسط مصرع مکث می‌کنیم. وزن دوری از اوزان متناوب الارکان تشکیل می‌شود، نه از تکرار یک رکن. (ص ۲۰۴ کتاب)

#### اهمیت وزن دوری

وزن دوری اهمیت دارد زیرا در وسط مصرع، حکم پایان مصرع را دارد. در این وزن، شاعر می‌تواند قافیه بیاورد، مکث کند، یا یک یا دو صامت اضافه بر وزن بیاورد. این اختیار در پایان پاره اول مصرع نیز وجود دارد و این صامت‌های اضافه در تقطیع محسوب نمی‌شوند. این ویژگی در شعرهای حافظ و سعدی نیز مشاهده می‌شود.

هر غزل نامه یست صورت حالی در او

نامه نوشتن چه سود چون نرسد سوی دوست

"ست" در نامه یست و "د" در سود اضافه بر فرمول و از تقطیع ساقط اند.

در وزن دوری، کلام در پاره‌های اول با رکن تمام می‌شود و مکث ایجاد می‌کند. رکن سوم و چهارم تکرار رکن اول و دوم است و ممکن است یک یا دو صامت اضافه بر وزن در وسط شعر بیاید. اوزان دوری از خوش‌آهنگ‌ترین اوزان شعر هستند و بخش عمده‌ای از زبانی عروض فارسی به آنها مربوط است، زیرا با ترکیب ارکان مختلف می‌توان اوزان تازه ساخت. (ص ۲۰۵ کتاب)

#### تشخیص وزن دوری

برای تشخیص وزن دوری، می‌توانید یک یا دو صامت را به وسط مصرع اضافه کنید یا حذف کنید. اگر وزن شعر تغییر نکند، نشان می‌دهد که وزن دوری است. این روش را می‌توان در شعرهای مولوی نیز آزمایش کرد. برای مثال، می‌توانید به وسط مصرع کلمات اضافه کنید و ببینید که آیا وزن شعر دچار خللی می‌شود یا خیر.

### درس ۱۲: کنایه

#### دانش افزایی

کنایه در ادبیات و زبان روزمره به فراوانی استفاده می‌شود. تعارفات و دشنام‌ها گاهی به صورت کنایه بیان می‌شوند. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها نیز کنایه هستند، مانند "دست ما کوتاه و خرما بر نخیل" که به عدم دسترسی اشاره دارد. شاعران و نویسندگان نیز در ایجاد کنایه‌های جدید نقش دارند، مانند شعر فروغ فرخزاد که بوسیدن کسی را در حالی که در ذهن طناب دار او را می‌بافند، کنایه از دشمنی پنهان می‌داند.

کارگاه تحلیل فصل چهارم:

• وزن غزل سعدی: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلن

• وزن غزل صائب: مستفعن مستفعن مستفعن مستفعن

۱. قلمرو زبانی: غزل سعدی از واژگان کهنه‌تری استفاده می‌کند، در حالی که غزل صائب واژگان جدیدتر و همچنین برخی واژگان عامیانه را به کار می‌برد.

۲. قلمرو فکری: غزل سعدی بیشتر بر محتوای عاشقانه متمرکز است، اما غزل صائب به گفتگوی درونی با خدا می‌پردازد و به امور دنیوی بی‌توجه نیست.

۳. آرایه‌ها: غزل سعدی از زبان شعری روان‌تر و کمتر آرایه‌دار استفاده می‌کند، در حالی که غزل صائب آرایه‌های بیشتری دارد، به ویژه تشبیه و تشخیص.

